

حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلقهاست

پیکار کردستان



بها ۲۵ ریال

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان

۵۹/۹/۱

جنگ ایران و عراق و جنبش مقاومت خلق کرد

جنگ ایران و عراق همچنان با شدت ادامه دارد و ابعاد تازه تری بخود گرفته است. این جنگی است ارتجاعی و ناعادلانه که برای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و عراق نتیجه دیگری جز کشتار بی‌خانمانی، فقر و فلاکت و ادا مستم و استثمار توسط رژیم‌های ارتجاعی و کشور بی‌ارزیاورد و و نمیاورد. در این جنگ از یکسو رژیم بقیه در صفحه ۷

سرمقاله

رفقا!

اولین شماره پیکار کردستان بتاريخ ۷ خرداد و ضمیمه آن در تاریخ ۲۲ مرداد امسال منتشر شد که مورد استقبال توده‌های آگاه و روشنفکران انقلابی قرار گرفت. اینکما دومین شماره پیکار کردستان را تقدیم رفقا میکنیم. بدون شك بلحاظ این تاخیر در انتشار نشریه بکار ما انتقاد وارد است. ما خود را موظف میدانیم تا نسبت به این تاخیر در انتشار توضیح داده و سهم چند کلامی در بار ضرورت انتشار و وظایف این نشریه و کلاً درکی که از این وظایف داریم سخن بگوئیم.

در تابستان امسال، سازمان ما دومین کنگره عادی سازمانی خود را برگزار کرد. در این کنگره اساسی ترین سایل سیاسی ایدئولوژیک - تشکیلاتی جنبش کمونیستی ایران سازمان ما بطور بقیه در صفحه ۲

مخالفت با وابستگی یا ضدیت با جنبش مقاومت خلق کرد

چند ماه پیش رهبری سازمان چریکها (اکثریت) در ملاقاتی که با بهشتی داشت، در برابر خواست بهشتی که گفت "بروید اعتماد را به مردم کردستان منتقل کنید، يك گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ اجتماعی بقیه در صفحه ۱۱

گوشه‌هایی از پیکار خلق کرد



صفحه ۵

از "قارنا" و "قه‌لانان" تا "ایندر قاش" و "صوفیان"

قتل عام زحمتکشان کرد

توسط ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی

صفحه ۲

رژیم ۳ پیکار کرد لاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

صفحه ۱۰

بیاد دو پیشمرگه شهید

رفقا

★ عطا برازنده
★ تیمور حسینیانی

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

سر مقاله ...

بطور مبسوط و مشروحی مورد بحث و مباحثه و مبارزه اید نولوژیك قرار گرفت. فته و راجع به هر موضوع مورد بحث قطعنامه های مربوطه صادر گردید. ۱۰ این مسایل مباحثی جد از مبارزه توفنده تود. خلق بر علیه امپریالیسم و ارتجاع نبود. بلکه در قیاد ر انطباق با معضلات و پیچیدگیهای است که در این مرحله از رشد جنبش توده ای و مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طبقه کارگر و خلقهای ایران جنبش انقلابی و کمونیستی ما با آنها مواجه است. مسایلی که بدون یا سخگویی مناسب با آنها نمیتوان انتظار داشت که سازمانی بتواند به اجرای وظایف انقلابی خود در قبال طبقه کارگر و انقلاب توده ها بپردازد. البته قصد ما این نیست که در اینجا نتایج و دستاوردهای موفقیت آمیز کنگره سازمان را تشریح کنیم. ما خواننده را به مطالعه پیکار شماره ۷۱ که قبلاً منتشر شده و اسناد بمکبوه سازمانی که در آینده نزدیکی منتشر خواهد شد دعوت می-کنیم.

روشن است که تدارک برگراری کنگره خود موجب میشد که بخشی از نیروی سازمان با این کار اختصاص یابد و از سوی دیگر شواوری سنگینی و وظایف سازمان در کردستان به ویژه شرایطی که کردستان در آتش جنگ تحمیلی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میسوزد به ما این اجازه را میدهد که نیروی تشکیلاتی مناسبی را به انتشار پیکار در کردستان اختصاصی دهیم. مجموعه این عوامل موجب تاخیر در انتشار پیکار در کردستان گردید. ۱۰ اینک پس از برگراری موفقیت آمیز کنگره سازمانی و حول دستاوردهای سیاسی اید نولوژیك و تشکیلاتی آن مبراساس سازماندهی جدید پیکار در کردستان را مجدداً آبانرژی و توان بیشتری منتشر میکنیم. ما قبلاً در سرمقاله پیکار در کردستان ششماهه یک بار به ضرورت و وظایف پیکار در کردستان بطور کلی صحبت کرده ایم. در اینجا سعی میکنیم آن وظایف را تفصیلاً که از آنها داریم را بطور مشخص تر و مشروح تر توضیح دهیم.

جنبش مقاومت خلق کرد، در ادامه انقلاب ناتمام دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقها در صیقل گرفتن و در جریان نزدیک به دو سال مبارزه در کردستان مخلص کرد به تجارب ارزنده ای در هر صحنه مبارزه ملی و طبقاتی دست یافته است. این مبارزه اشکال متنوع و پیچیده ای را از مبارزه طبقاتی و ملی سیاسی و نظامی را تجربه کرد و میکند ما را که خود بررسی و

میتلبد و ماد را آینده راجع به آنها سخن خواهیم گفت. اما جنبش مقاومت خلق کرد علاوه بر اینکه بطور عام بعنوان یک مبارزه دمکراتیک در جهت حقوق تعیین سرنوشت مشخص میگردد دارای ویژگیهای خاص خود نیز میباشد که مشخص شرایط ویژه مبارزه طبقاتی در جامعه ماست. همین ویژگیها است که ضرورت یا سخگویی به آنها نیاز به انتشار پیکار در کردستان را در چندان میکند. این ضرورتها کدامند؟ و ما آنها را چگونه می-بینیم؟

۱. مبارزه در کردستان در سطحی بالاتر از مبارزه توده ای در سایر مناطق ایران جریان دارد. در حالی که بخش قابل توجهی از توده های این مناطق در تروم نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند و از رژیم پشتیبانی میکنند، در کردستان توده ها مسلحانه دست به مقاومت زده و بر علیه حاکمیت ارتجاع می جنگند. مصلحتی که از آنجا یک بطور آشکار و روزمره با پوست و گوشت خود واقعیتش و سرکوب و هتسایانه رژیم را حس میکند با این لحاظ هیچگونه توهمی نسبت به رژیم حاکم ندارد. بدون شک اعتدالی جنبش توده ای و از آن بالاتر وجود موقعیت انقلابی در کردستان بخود عاملیست که تاکنون کردستان را سنگرمستحکم مبارزات دمکراتیک بود امپریالیستی خلقهای ایران کرده است. اما همین اختلاف سطح جنبش توده ای خود باعث نوعی "جدایی" مبارزاتی میان خلق کرد و مبارزه سایر خلقها گردیده است. واقعیت اینست که هنوز بسیاری از توده های تروم زده به جنگ رژیم با خلق کرد بصورت جنگ "شبهه وستی" یا "اسلام و کفر" نگاه میکنند و به تائید جناحیات رژیم در کردستان میپردازند. برای اینکه بتواند به توده های تروم زده واقعیت جنبش رژیم و خلق کرد را توضیح داد، میبایست اهداف مبارزه عادلانه خلق کرد را وسیعاً تبلیغ و ترویج نمود و سعی کرد تا همبستگی مبارزه خلق کرد و مبارزه توده های سایر مناطق را تأمین نمود. از سوی دیگر با به خلق کرد نشان داد که اگر مبارزه اش نتواند با مبارزه سرخپوش توده های پیوند حاصل نموده و تحت رهبری طبقه کارگر هدایت شود، قادر نخواهد بود راه پرفراز و نشیب مبارزه را طی کند. بنابراین کوشش در جهت تقویت و تحکیم و همبستگی متقابل میان مبارزاتی میان جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزه توده ای سرخپوش اولین وظیفه پیکار در کردستان است.

همسویی دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق

• در سرکوب خلق کورد •

ارتش مزدور جمهوری اسلامی در تاریخ ۸/۱۷ روستای "نجه" مریان را مورد حمله قرار داد ، ارتش فاشیستی عراق نیز همزمان با این آبادی را هدف خمپاره های خود قرار داد . در نتیجه د و نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی گردیدند .

ارتش مزدور جمهوری اسلامی در سه روزه اول آبانماه روستاهای "کن لاجان" و "زو" و "راد پیرانشهر" را توپ و خمپاره برهم کوبید ،

ارتش فاشیستی عراق هم در همین زمان این آبادیها را خمپاره باران نمود .

در نتیجه چند نفر شهید و زخمی گردیدند و مردم شهر و روستا آواره بیابان و کوهستان شدند .

آیا این نشان نمیدهد که خلق کرد دشمن هر دو رژیم ارتجاعی میباشد ؟

آیا هدف این دو رژیم ارتجاعی چیزی جز سرکوب زحمتکشان و بیوز و خلق کرد میباشد ؟

حد نمیتواند جد از رشد سیاسی عمومی توده های خلق کرد باشد بطوریکه میتوان گفت اکثریت توده های خلق کرد کوچکترین توهمی نسبت به ماهیت جنایتکارانه و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ندارند ، رژیم حاکم ایران بجز توده ای جانش و مزدور و اربابان و ملاکین سابق هیچ پایگاه در کردستان ندارد . اما این واقعیت را نیز نباید فراموش کرد که ذهن سیاسی توده های بااید هاید مکرانیکوسوسپالیستی طبقه کارگر با برنامه و مشی کمونیستی پرورش داده نشده است . هنوز هستند توده هاییکه ضمن اینکه با نفرت از رژیم جمهوری اسلامی سخن میگویند ، اما به نیروها و نفوذ ارتجاعی توهم دارند . توده های مبارزه میکنند ولی نسبت به سرنویست آتی جنبش کارگری ندارند ، آنها از رژیم متنفرند ، لیکن در برخورد با آن هنوز به نیروی خلاق و سازنده خود باور ندارند . این ضعف از یک طرف

بقیه در صفحه ۱۹

۱- بی تردید یگانه و یگانه ای مهم جنبش مقاومت خلق کرد ، برجستگی مبارزه ملی در مقابل مبارزه طبقاتیست . در کردستان اقشار مختلف خلق از زحمتکشان شهر و روستا گرفته تا اقشار مرفه کرد همواره حول شعار " خود مختاری " بسیج شده اند . اما هر کدام از این اقشار و طبقات بنا به منافع طبقاتی خود سواست متفاوتی را از نظر میزان بیگیری در جنبش ارتجاعی میکنند .

ستم ملی و طبقاتی بیش از همه بر دوش اقشار " پائینی " سنگینی میکند . کارگران فصلی که بنا به طوقد بیگری برای کار میروند ، نه فقط به علت کمبود بودن کارهای ایست با آنها واقف و میشناسد ، بلکه انواع تحقیرها و اهانتها را بخاطر لقمه نان و مزد ناچیزه ناچار تحمل میکنند ، در حالیکه اقشار " بالایی " منافع کثرتی را از جنبش خواهند برد و بنا به این دلیل باز بیگیری کثرتی در امر مبارزه بر خورد آرند ، و تا یل به سازش و صلحی که بتواند منافعتان را تامین کند و آنها بیشتر است . این نتیجه سیاسی مهمیست که با اوج گیری مبارزه و بیجیدگی آن ، هر طبقه و قشری جوهر انقلابی و بسازگاران خود را نشان خواهد داد . این موضوع مشخص میکند که شعار " خود مختاری " هم بدو معنا در می آید . در یکی که " پائینی " ها از آن میکنند و مرادشان رهایی قطعی و نهایی از زنجیر و ستمیست که سالیان سال متحمل میشوند . و در یکی که " بالایی " ها از " خود مختاری " دارند . و آن بمعنای مشارکت در سهمیست که از استثمات توده ها نصیب بورژوازی حاکم میشود . بهمین دلیل میبایست کوشید ، آن شعارها را تبلیغ و ترویج نمود که با اتکا به منافع طبقه کارگر وحدت اقشار و طبقاتی را که واقعا خواهان انقلاب و کراتیک و ضد امپریالیستی هستند متحد و یکنواخت گرداند ، شعار عمومی " خود مختاری " اگر نتواند بیانگر منافع توده های زحمتکش کرد باشد عمل در خدمت بورژوازی قرار بگیرد . پس تبلیغ و ترویج شعارهای مشخص طبقاتی که بتواند منافع زحمتکشان کردستان را در اتحاد با طبقه کارگر تامین نماید ، وظیفه دو پیکار کردستان است .

۲- مبارزه جاری در کردستان در عمیقترین سطح یعنی مبارزه مسلحانه است . بدون شکل و تقابله مبارزه خلق تا این

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

این در قاش و صوفیان قتل عام زحمتکشان کرد

بدست ارتش، بسیج مستضعفین و پاسداران جنایتکار

سیزدهم ابانماه امسال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بار دیگر سته جنایتی فجیع تر از آنچه قارناوقه لاتان زد، پاسداران ارتجاع همراه با واباشان "بسیج مستضعفین" از مناطق ارومیه، سحمد یارونقد، برای باصطلاح پاکسازی "قار" و در واقع خلیق زحمتکش کرد، بیروستا های "یوسفکند و قم قلعه" در حوالی مهاباد حمله نمودند. این جنایت پیچیده پس از به شهادت رساندن پنج تن از زحمتکشان آبادی "یوسف

کند" همچون لشکریان مغول دست بغارت اموال و تالان روستا - تیان زدند و سپس به روستای "این در قاش" رفته و بعد از تهدید و ارباب و شوکتکجه و آزار مردم آبادی، اینجا نیز دست بغارت اموال اهالی آبادی زد و دسترنج کار طاقت فرسای زحمتکشان را بزور اسلحه به یغما بردند و روستائیان را تهدید کردند که سلاحهای خود را بایستی به پاسگاه "محمد یار" تحویل دهند. در بیرون این آبادی نیز مردم را مورد حمله بیشمرگان د مکرر قرار گرفتند و بعد از دادن تعدادی تلفات به روستای "این در قاش" عقب نشینی نمودند. این بار پاسداران هر کس را که یافتند، به وحشیانه ترین شکلی با سرنیزه و قنداق تفنگ زخمی نمودند و بارگبار مسلسل به شهادت رساندند. آنها بیش از گذر راقطد مسجد آبادی در حال نماز بقتل رساندند، ده همتان از اهالی را که موفق بفرار شدند بودند، دستگیر و بعد از کتک زدن و شکنجه فراوان با قله بجا قوورگبار زد. ۳ بخاک خون کشیدند

و سپس زنان و دختران آبادی را جمع نمود و ویشرمانه دست به از بیتو آزار آنها میزند تا آنجا که حتی به یکی از دختران تجاوز نمودند. آری! اینست معنای دفاع از "مستضعفین" که رژیم جمهوری اسلامی از آن دم میزند!

آری! این نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی بعد از قتل عام بیش از ۴۰ تن از زحمتکشان آبادی دست به چپاول اموال زد و هر آنچه را که توانستند غارت نمود و هر آنچه را که نتوانستند به آتش کشیدند و بار دیگر این در زخمیان در رشت سرخود تلسی از خون و خاکستر و آتش باقی گذاشتند و بار دیگر معنای "حققت از مستضعفین" و "مبارزه با امپریالیسم" رژیم را بخوبی نشان دادند.

همچنین در روز ۱۷ / ۸ ماه هم پاسداران ارتجاع و جاقوکتکجه قله بدست "بسیج مستضعفین" با هدايت ملاحنی این مزدور مرتجع بد نیال همین برنامه منظم به روستای صوفیان در رومه اشویه حمله برده و با قتل عام زحمتکشان آبادی ۳۰ تن از اهالی، بیرون جوان گرفته تازن مردم را با بیرحمی تمام به شهادت رساندند و ۲۰ نفر را زخمی نمودند. این مزدوران به عنوان یاد اش خود، بغارت آبادی پرداختند و پول و اموال - روستائیان را چپاول نمودند. آیا این کشتارها با قتل عام زحمتکشان فلسطین در آبادی "دیر یاسین" بدست آدم - کشان صهیونیست فرق دارد؟

بیشتر خون سرخ زحمتکشان روستاهای "این در قاش" بیوف کند "و" نهال انقلاب خلقهای ایران را آبیاری کرده و نور نیست که دستانتقا مجوی خلق سرکوبگران خلقهای ایران را به زیاله دانی تاریخ بسپارد.

نحوه 'پاکسازی' خلق کرد از زبان يك 'پاسدار'

میگردند و سه ساعت درگیر شدیم و پس از کشتن ۲۰ - ۱۹ نفر از آنها بغیر از فراری دادیم. خود ما با اسلحه ما به با افتخار به کشتن چندین زحمتکش کرد اقدام کرد. آری! خلق قهرمان کرد در راه دفاع از حقوق خویش به پیکار خونین با ارتجاع ادامه میدهند و هرگز سلاح از کف نخواهد داد. پیروزی او در گرو مبارزه انقلابی اوست.



یکی از پاسداران میان دو آب در حمله از "خلق صلاح" روستائیان کرد تعریف میکرد او میگفت که "کردها بهیچ وجه فرنیستند اطلاعهاشان را تحویل دهند و ما پس از درگیری فراوان و بزور شکنجه موفق می - شویم از دهها خانه یک قبضه سلاح بدست بیاوریم. حتی اغلب کار به تیراندازی هم میکشد و اگر زور ما بچربد حتما درگیری - شویم مثلا در یکی از دهات که مردم مقاومت

بنقل از "خبرنامه جنگ" پیکار شماره ۵

کوشه‌هایی از پیکار خلق کرد



● کامیاران

۱۵۹ / ۷ / ۲۱: نیروهای ارتش ضد خلقی که به همراه جا-شها و پاسداران ارتجاع چند روزی بود در روستای "دولاب" (مقر سابق شیخ‌ها و مزدور و ساواکی سابق) مستقر شده بودند بطرف آبادی "سرچی" پیشروی نمودند. اما پیشمرگان قهرمان کومه له و پیکار در زیرک عملیات مشترک آنها را وارد عقب نشینی نمودند. مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی با یرتاب خمپاره (بو یژه خمپاره های "وتیلا" که در هوا منفجر شده و هزاران قطعه می‌گردد) سعی داشتند مردم آباد بیهای "کوله ساره سرچی" بطنه وهانمین "راکشارانما" بند که بار دیگر ضایعات تکوینده پیشمرگان روبرو شود و منجبر بعقب نشینی کامل از منطقه گردیدند. در این عملیات هیچ گونه آسیبی به پیشمرگان وارد نگردید.

کککهای وسیع روستائیان این منطقه به پیشمرگان نشانسی از روحیه چشمگیری رزاتی این زحمتکشان بود.



مصادره برنج بدست پیشمرگان
و تبلیغات ضد انقلابی
حزب خائن توده و جمهوری اسلامی

۱۵۹ / ۷ / ۸: در این تاریخ پیشمرگان پیکار در رجا ده کا-میاران سنندج موفق به مصادره انقلابی یلتریلر حامل بیس از ۲۰ تن برنج گردیدند. این محموله برای اداره بازرگانی سنندج واز آنجا برای بخش بین جا شها و پاسدارها حمل می‌گردد. پیشمرگان با کمک وسیع زحمتکشان برنجسار را به روستاهای اطراف برده و در آنجا با همکاری رفقای کومه له آنرا بین زحمتکشان چند آبادی به نسبت هر خانواده نیم کیسه تقسیم نمودند. این عمل پیشمرگان با استقبال وسیع روستائیان روبرو شد. چه اینکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلا

با محاصره اقتصاد کردستان ما هاست که مانع ورود ما - بحتاج مردم بو یژه روستائیان می‌گردد.
اما زحمتکشان توده که حاضر به همه گونه نوکری رژیم می-باشند در روزنامه "مردم" بارنامه تزیلر را که با مضا و مسر پیشمرگان پیکار رسیده بود بجا بیا بینطور وانمود کرده بود که گویا برنجسار به مناطق جنگزده مرزی حمل می-شده است (آخر از نظراین خائنین سنندجگمرازیان و هراق و خلق کرد کا قزو وابسته به بعث عراق می باشد). جالب است که حزب معلم الحال جمهوری اسلامی هم عین این خبر خنز توده را در روزنامه خود جا می‌گردد است و بدین وسیله بار دیگر نوکری و حلقه بگونی حزب خائن توده را با اثبات رسانید.
اما از نظرم کومنیستها مصادره اموال دولت که از یکیدن خون زحمتکشان و جبا و لشره کار آنها بدست آمده است ما می است انقلابی و ما اینگونه مصادره را یکی از وظایف مبارزاتی خود میدانیم.

● مریوان

۱۵۹ / ۷ / ۲۶: در این روز مزدوران زرگا ری در روستای گور-رگه ای مریوان دست به جنایت فجیحی زد و یکی از پیشمرگان حزبد مکراتبنام کاگ رشید نوروزی (ره شه هه لاج) را به شهادت رساندند. یاد شکرگرمی باد.
تشکیلات مریوان حزبد مکراتبمفریانه اعلامیه ای صادر نموده و سپاه زرگاری را مزدور بعثت و وابسته به دینارهای عراقی خوانده و در جرف شعارنا بودی زرگاری را مطرح کرده است. اما مگر همین چند یویش نبود که حزبد مکراتب درک عملیات مشترک با مزدوران زرگاری به یلکستون ارتش ضد خلقی در حوالی کامیاران (شیرین سوار) حمله نمودند؟ البته اکثریت پیشمرگان حزبد مکراتب که از زحمتکشان کردستان هستند باز این روابط ناراضی اند. حزبد مکراتب موظف است در این باره به توده های خلق کرد و پیشمرگان خود توضیح دهد.

سقز

۱۵۹ / ۷ / ۲۷: در این تاریخ شب هنگام بود که از پیشمرگان پیکار (دسته شهید نجمه و شهید هانا) در شراب

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد

اهالی بعد از تخلیه آبادی مقاومت ایستاد و بعد از چند ساعت درگیری پاسداران ارتجاع را واداره عقب نشینی نمودند. مقاومت مسلحانه زحمتکشان این آبادی بار دیگر نشان داد که هیچ نیروی ضد خلقی یا رایی مقابله با زحمتکشان متحد و آگاه را ندارد.

در این درگیری ۵ نفر از پاسداران ضد خلق کشته شدند. از روستای لئیزیکفره شهادت رسید. یاد این شهید خلق گرامی باد!



● دیواندوره

۵/۸/۵۹: بمناسبت چهلمین روز شهادت کاک شوان عضو مسئول کومه له در دوستانه از پیشمرگان کومه له به پایگاه "مامخ" (جاده دیواندوره سنندج) حمله بردند و با سلاحهای سنگین ضربات شدیدی بر آن وارد کردند. تلفات وارد و برد شدن قیقا مشخص نیست. پیشمرگان بعد از این حمله قهرمانانه، همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

● مروان

۹/۸/۵۹: در این تاریخ پیشمرگان کومه له در روستای بیساران چند تن از مزدوران زرگاری را خلع سلاح نمودند. این عمل رفقای کومه له بار دیگر نشان داد که خلق کرد و سازمای انقلابی جنبش مقاومت نسن افشای ماهدیت مزدور سپاه زرگری در هیچ شرایطی به مزدوران بعث اجازه فعالیت نخواهند داد.

بطیکه رژیم به نیروهای مزدور و رشاماد با شداده بود، وارد شهر شدند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. پیشمرگان ابتدا بمپخش اعلامیه در خانهها و نوشتن شعاری بر روی دیوارها پرداختند و سپس در خیابانهای شهر برای بدام انداختن دشمن کمین گذاشته و در حوالی ساعت ۲ شب با نارنجکها از سلاحهای سبک بمبقرها شها و پاسداران (مکتب اسلام) حمله کرده و ضربات سنگینی بر آن وارد نمودند. از تلفات وارد به نیروها ضد دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

رژیم در این درگیری از خمپاره انداز مسلسل کالیبر ۵۰ نارنجکها و از سلاحهای سبک سنگین استفاده کرد. در جریان این حمله یکی از پیشمرگان قهرمان سازمان، رفیق تیمور حسینی مسئول دسته شهید نجمه در حین عقبنشینی بوسیله گلوله مزدوران رژیم به شهادت رسید. یادش گرامی و راهش پایداری باد!



۱۳/۸/۵۹: در این روز عمل رژیم ضد خلقی جمهوری

اسلامی سعی نمودند بمناسبت ۱۳ بان (روز دانش آموز) تظاهراتی بنفع خود برگزار نمایند. آنان با تهدید و ارباب عدو ای از دانشموزان را به خیابانها کشاندند اما دانش آموزان رزمند که بارها و بارها شورا انقلابی خود را در جریان جنبش مقاومت نشان دادند و این بار نیز با تایدیل تظاهراتی بر علیه رژیم ضد خلقی مستحکم بردهان سرکوبگران خلق کوبیدند. دانش آموزان یادان شعارهای انقلابی بنفع جنبش مقاومت خلق کرد مورد استقبال وسیع توده و اقرا گرفتند. مزدوران رژیم چاره را در دستگیری همه ای از تظاهرات کنندگان دیدند. اما نه زندان و نه شکنجه و اعدام دانش آموزان انقلابی را از مبارزه باز نداشته و باز نخواهد داشت. آنان همچون گذشته تظاهرات مستقل خود را بر علیه رژیم ضد خلقی سازمان داده و بار دیگر نقش بی رحسته خود را در جنبش مقاومت ثابت خواهند نمود.

● منبع اخبار زیر خیرنامه های کومه له میباشد

● ارومیه

۳/۸/۵۹: پاسداران و ایادیملاحسنی مرتجع در این روزه روستای "کانی سبی" و "زندشت" در جاده سلماس - ارومیه حمله نمود و قصد قتل و غارت روستائیان را داشتند که

جنگ ایران و عراق ...

فاشیستی به عراق قرارداد کرده
برای حفظ سلطه ارتجاعی خویش ادامه فارتواستما رو خلقها
عراق و در انطباق با سیاست امپریالیسم امریکا و حمایت از او
دسته های مزدور و اویسی با اثر فوئالیزمان دست به این جنگ
زده است رژیم مرتجع بعث که سالهاست خلقهای عراق و از
جمله خلق کرد عراقی را بوحشیانه ترین شکلی سرکوب کرده و
میکند و "سیاست زمین سوخته اش" در کردستان عراق ماهیت
جناپتکارانه آنرا بخوبی روشن میکند بدین فریب توده های
این کشور منحرف کردن دست مبارزه آنها بوجهنین بازرس
گرفتن امتیازاتی که در معاهده الجزایر از دست داده بود
و بالاخره بزرگ مقابله با تحریکات رژیم جمهوری اسلامی
در پشتیبانی این رژیم از جریاناتی چون "حزب الدعوة"
بهترین راه را دست زدند این جنگ یافته است اکنون جنا
یات ارتش عراق در مناطق خوزستان و کرمانشاه و کشتار مردم
بید فاع بین مناطق توسط آن یکبار دیگر برده از ماهیت رژیم
ضد خلقی صدام حسین بود آلودسته اثر بر میدارد
طرف دیگر در این جنگ رژیم جمهوری
اسلامی است که طوسی نزدیک
بدو سال حاکمیت خویش کاری جز بازسازی سیستم سرمایه داری
وابسته و انا ما استعمار و ستم نسبت به زحمتکشان و خلقهای
ایران نکرده است سیاست این رژیم سیاست ادامه ستم بر
خلقها سرکوبیها و زات و حرکات آنها نابودید ستاورد های
قیام دینین ۲۲ بهمن و خلاصه حفظ و تحکیم منافع سرمایه
داران و مرتجعین رنگارنگ بوده است سیاستی که ناتوان
از حل بحران اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه
برای منحرف کردن ذهن توده ها با آنها را با ایده ارتجاعی
"صدور انقلاب اسلامی" می فریبد و شتوانه ای برای جریانات
مرتجع در کشورها ی منطقه شده است جنگ از جانب رژیم
جمهوری اسلامی نه برای دفاع از "انقلاب"
در ایران برپا شده و نه برای زحمتکشان عراق جنگ از جانب
این رژیم ادامه سیاست اش در اعمال ستم بر خلقها
و سرکوب مبارزات آنها اهداف جاه طلبانه آن در
به اصطلاح "صدور انقلاب اسلامی" و کوششهای آن

برای ممانعت از ریختن توهم توده ها انجام گرفته
است. ماهیت ارتجاعی این سیاست همچنین در مباحث
ران خانه و کاشانه زحمتکشان عراق توسط ارتش ضد خلقی بگن
مشهود است و برده از عوام فریبی های رژیم مبنی بر پیشبرد
"جنگ دفاعی" بر میدارد
اما جنگ فوق در نقاط مختلف کشور تا ثیرات متفاوت دا
شته است و توده ها بر خورد یکسانی با آن نداشته اند در
حالی که در بسیاری از مناطق توده ها در نتیجه نا آگاهی از ماهیت
جنگ و توهم نسبت هیئت حاکمه و همچنین تبلیغات "سوسیال
شونیستها" (حزب توده خائن سازمان چریکها) اکثریت
و حزب رنجبران) و "دفاع طلبان" (نیروهای مانند راه
کارگرو زمینداران که شرکت در جنگها "صفت مستقل" راطرح می
کنند) فریب تبلیغات ریاکارانه حکومت را خورده و در جنگ
شرکت جسته و یا انرا تا ثید مینمایند، در کردستان
وضع کاملاً برعکس است در کردستان چه در شهرها و تیکه در
کنترل بیشترگان قرارداد (مانند بوکان و اشنویه) وجه در
شهرها و تیکه در تصرف ارتش پاسداران میباشند به جرات می
توان گفت که کوچکترین حرکتی که نشانه توهم مردم به هیئت
حاکمه و تاثیر تبلیغات آن باشد بی چشم نمیخورد دلیل این
امر بسیار روشن است خلق کرد بیش از یکسال است که مورد
شدیدترین سرکوبها و ستمگرهای رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی قرار گرفته است و صحنه های کشتار و ویرانی ای که جنگ
امروز در شهرهای جنوبی کشورمان بوجود آورده است، را خود
تجربه کرده است برای خلق کرد مسلم است که رژیم جمهوری
اسلامی با ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی آن نمیتواند
بخاطر دفاع از زحمتکشان میهن ما با رژیم عراق بجنگد برای
آنها مسلم است که "دفاع از میهن" در جنگ کنونی هیچ معنی
و دیگری جز دفاع از میهن ستمگران و استعمارگران و ادامه سرکوب
ستمدیدگان ندارد پاسخ شایسته مردم مبارز ما با بدیه
تظاهرات تیکه سپاه پاسداران، هواداران حزب توده خائن،
هوداران سازمان چریکها (اکثریت) و هوداران کنگره
جهانم حزب درکرات برای پشتیبانی از جمهوری اسلامی در
"برای شناخت جریانات" سوسیال شونیست" و "دفاع
طلب" و ماهیت آنها به ضمیمه دوم پیاپی ۷۵ مراجعه کنید

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

رئیس جمهور دستور بمباران شهرهای عراق را صادر کرد

این جنگ، قصد برگزاری آنرا داشتند، نمونه جالبی برای توضیح موضع خلق کرد و نیروهای مبارزان در قبال جنگ ارتجاعی ایران و عراق میباشد. * این نمونه در کنار نمونههای دیگر مبارزات توده‌های ستمدیده خلق کرد و به همراه مبارزات مسلحانه پیش مرگاب قهرمان بیانگر ادامه جنبش مقاومت خلق کرد بمقابله آنها حرکت انقلابی در کردستان بطور مشخص در این شرایط است. حرکتیکه در چهار چوب تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی در شرایطیکه توده‌ها آمادگی آنرا دارند، قرار میگیرد. واقعیت اینست که خلق کرد بر اساس تجربه روزمره خود دریافته است که هر حرکت رژیم تحت هر پوشش و عنوان هدفی جز تحمیل و سرکوب توده‌ها و حفظ روابط ستبرگران وجود دنبال نمیکند. بیش از یکسان گلوله باران شهرها و روستا

رئیس جمهور میگوید: "ما مصوریم از مردم شهرهایی که رژیم است عراق آنها را بمباران میکند. ما میخواهیم که آنها را سرک کنند تا ما جواب آنها را بدهیم." (کشان ۱۹ مهر)

بنی صدر میگوید: "ما شهرهای تخلیه شده را بمباران خواهیم کرد!"

ما میگوئیم: آقای رئیس جمهور! مردم عراق از شهرهای خویش را تخلیه نکرده اند. کجا بروند؟ کجا آنها تخلیه نکرده اند؟ بنی صدر میگوید مردم ما بدشهرها را تخلیه کردند تا ما بمباران کنیم اما واقعیت چیست؟ بمبارانهایی که تاکنون انجام شده است، مبدعه کسان و مال زحمتکشان برای بنی صدر است تا توده‌ها را محاصره

ارزشی ندارد. علاوه بر آن ای رئیس جمهور! فرض کنیم مردم از شهرها خارج شوند، مگر مردم رخصتخانه و کانه خود را هم میسوزانند از شهر خارج کنند؟ ایس شما میخواهید خانه‌های زحمتکشان را بمباران کنید. آری آقای رئیس جمهور شما مانند مدام حسین میخواهید ما را از مناطق مسکونی زندگی و خانه و کتانه رخصتکشان را تاراج کنید. بمباران مناطق مسکونی زحمتکشان عراق را توسط رژیم ایران و بمباران مناطق مسکونی زحمتکشان ایران را توسط رژیم فاشیستی است عراق را محکوم می‌کنیم. ۱۳۵۹/۷/۲۰ سری ب - ت ش ۸۹ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ولی از فرستادن لشکرهایی که در کردستان مستقرند خود - داری مینمایند. ولی مگر آنها از چه چیزی میترسند؟ بدون شك از به حرکت در آمدن طوفان انقلابی توده‌ها و برقراری حاکمیت آنها بر سر - نوشت خویش آنها میدانند که میتوان با رژیم عراق به سازش رسید و به جنگ بین دو رژیم خاتمه داد، ولی نمیتوان توده‌ها را که توهمشان ریخته است و در راه کسب حقوق خویش به مبارزه انقلابی روی آورده اند را به انقیاد در آورد.

* * *

به این ترتیب ما در کردستان نه تنها با پشتود و توهم زده روبرو نیستیم، بلکه با مرئی مواجهیم که در حال مبارزه انقلابی بشکل مسلحانه آن با رژیم حاکم هستند و با جوی سرکسار داریم که بسرعت در مقابل سازشکاری و ماساژات با رژیم عکس - العمل نشان میدهد. * پس ادامه مبارزه و مقابله و مست - مسلحانه انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی، در چارچوب شعار تبدیل جنگ بین دو رژیم به جنگ علیه بورژوازی خودی

(* - توجه کنیم به عکس العمل مردم نسبت به سازمان چریکی (اکثریت) طی مدت اخیر.

روستاها، گشتا و سرکوب توسط ارتش سپاه پاسداران چریکی اسلامی بیش از یکسال توهین و ناسزا محاصره اقتصادی ... این حقیقت را به خلق کرد آموخته است که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی ضد خلقی است و نمیتواند در جنگی به نفع توده‌های مردم شرکت نماید. خلق کرد میدانند هم اکنون که رژیم ضد مردمی عراق قسمتی از خاک ایران را تصرف کرده است، بخش مهمی از نیروهای ارتش و پاسداران برای ادامه سرکوب در کردستان مستقرند و یکدم از قتل و جنایت بازمی‌ایستند و همچنان فجایع قارنا، بقیه لاتان را در "ایند رقاش" میسوزانند و ... تکرار می - کنند. نمایندگان بورژوازی بخرد و بورژوازی حاکم فریاد می - زنند "میهن در خطر است" و توده‌های ناگناه را بی سلاح و بدون آموزش لازم بعنوان گوشت دم توپ به جبهه میفرستند

(* در تاریخ سپاه پاسداران بایستیانی هواداران حزب خائن توده، سازمان چریکی اکثریت و "کنگره چهار" قصد برگزاری تظاهراتی در مهاباد را داشتند. هنوز چند لحظه ای از شروع تظاهرات ۳۰۰ نفره آنها نگذشته بود که مردم مهاباد خشمگین از این همه وقاحت جلادان و گناه لیسان رژیم ماسنگ و جوب بان حمله کردند و توطئه ارتجاع را در هم گوییدند.

تنها حرکت اصولی و انقلابی در کردستان است.
 از نظر سیاسی مهمترین وظیفه نیروهای کونیستو انقلابی افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و اهداف ضد خلقی این جنگ است که هر دو رژیم تعقیب میکنند. بایستی بر این مبنایم چنین بر مبنای افشای ستمی که به اشکال گوناگون بر توده ها وارد می شود آنها را بسوی راه انداختن حرکات اعتراضی توده ای سوق داد اکنون در شهرها تحت کنترل رژیم روجه نیازرانی و انقلابی به مراتب بالاتر از چند ماه گذشته است و توده ها هر روز آمادگی بیشتری برای پیش برد مبارزه از خود نشان میدهند آنچه مهم است نقطه ضعف بشمار میرود، نقش نیروهای انقلابی است که هنوز نتوانسته اند نقش لازم را در دامن زدن و هدایت حرکات اعتراضی توده ها داشته باشند.
 در سطح روستاها افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و بطور کلی ماهیت هر دو رژیم بعنوان دو رژیم ضد خلقی اهمیت خاصی دارد. اگر در شهرها توده ها بعلت بالا بودن آگاهی سیاسی بدرک نسبی وحدانلی از واقعیت های جنگ دست میابند در روستاها غالباً چنین نیست و ضرورت توضیح این واقعیات اهمیتیت دو چندان می یابد. توده های دهقانی با توجه به ادامه ستم و سرکوب در روستاها جمهوری اسلامی و حتی گسترده گسی آن در این زمان تنفر خود را از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از زاویه منافع طبقاتی تاریخی خود بیان نمیکند حتی اقشار عقب مانده تر بخصوص در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، نسبت به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بوسیله رژیم عراق

"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه ای !!

روز پنجشنبه ۱۷ مهرماه خامنه ای که مرتباً از طریق رادیو تلویزیون، مردم را "بسوی بهشت" و "توسیدن ثروت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از هوازیگ هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفن احضار میکند. یک بزرگ کار در فرودگاه از او میخواهد تا مریض شرف به مرگی را با خود به تهران ببرد. خامنه ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه طلبان میگویند که هواپیمای ظرفیست ۹ نفر را ندارد، خامنه ای میگوید، چون باید با بدباد را همراهی خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

ارتش فاشیست عراق مردم عادی را به گروگان می گیرد

در ادامه جنگ ارتجاعی دولتهای سر - کوبگرا ایران و عراق، رژیم فاشیستی بعث اقدام به دستگیری بسیاری از هم وطنان بیگناه ما کرده است. در این خصوص نکات زیر قابل ذکر است:

- ۱- ارتش مزدور عراق در هر شهر و روستا که مختصر تسلطی پیدا میکند، اقدام به دستگیری مردم عادی که در جنگ شرکتی نداشته اند میکند. در ضمن بما صبه با اسرای ایرانی در اردیو عراق، سه ناسهای کسانی چون "کارمند یا سنگ سوسکوز" "معلم نصر شیرین" "معلم سیریل" ذهاب "کارگران حفاری صنعت نفت" و غیره بر میخوریم که ما سواد های بسیاری و درنگرانی به سرسوتت کسان خود فرو برده اند.
- ۲- تقریباً تمام اسرای دستگیر شده (چه ارتشیان سرباز و چه افراد عادی) در محاسباتی که بوسیله عمل دولت ضد خلقی عراق، با آنها میشود، خواهان این جنگ بوده و علمبر غمناک های رژیم عراق، خواست خود را برای قطع این جنگ عنوان میکنند.

تمایل نشان میدهند. این شکل برخورد به رژیم جمهوری اسلامی نه مولود آگاهی طبقاتی توده ها بلکه از کینه عمیق آنها از این رژیم سر - چشمه میگیرد. اما برای آنها باید توضیح داد که آنچه منافع واقعی شان را تأمین میکند نابودی سر - مایه داری وابسته و برقراری جمهوری ری دمکراتیک خلق است. امری که تنها توسط خلقهای ایران بسمه رهبری طبقه کارگر ایران نامکان پذیر است.
 در واقع ما ضمن پیشبرد مبارزه و بسیج و سازماندهی توده ها علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی بایستی ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی را برای آنها افشا کنیم. در این میان افشای ماهیت ارتجاعی رژیم بعث عراق که میکوشد از میان رزم خلق کرد با رژیم جمهوری اسلامی سوء استفاده کرده و خود را "حامی" آن قلمداد کند، اهمیت خاصی دارد.
 در زمینه نظامی، وظیفه پیشمرگان انقلابی است که با تشدید حملات نظامی به پایگاهها و مناطق تحت کنترل رژیم آنها را وادار به عقب نشینی نماید. البته این مشخص است که وقتی از گسترش حملات نظامی صحبت میشود به هیچ وجه نمی توان انتظار داشت که در کوتاه مدت رژیم را از نظر نظامی بتوان به موضع شکست کشاند.
 اما در قبال تجاوز نظامی عراق به کردستان سیاست نیروهای انقلابی بی چه باید باشد؟ روشن است که در چنین صورتی میبایست قاطعانه به مقابله با آن پرداخت.
 البته عوامل متعددی وجود دارد که مانع میشوند رژیم عراق جنگ را در طول مرز ایران و عراق در

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

رژیم ۳ پیکار کرد لاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

در شرایطی که رژیم با آزادی گروه‌گانه‌های جاسوس، نزدیکی بیش از پیش خود را با امپریالیسم نشان می‌دهد، در شرایطی که رژیم بدروغ با عنوان مبارزه با امپریالیسم، توده‌های منطقه جنگ زده را در نبردناگاه دلا با دولت ارتجاع، عراق به کشتن می‌دهد، رژیم خفگان و سرکوب را تشدید کرده است و بدین ترتیب به ترور تیرباران کمونیست‌ها و انقلابیون پرداخته است.

رفیق پیکار که شهید شکرالله دانشیار مسئول جا در امداد هواداران سازمان پیکار در آبدان بحر معش بهرحمتگان و کمک به مردم جنگ زده و هواداری سازمان در ۲۷ مهر تیرباران می‌شود و پس از آن خلفای جلا، دو پیکار کرد لاور دیگر را در آغا جاری بدون بازگوشی در یک دادگاه صحرایشی بدون آنکه اجازه داد به رفسا یمان را بدهد تیرباران می‌کند. این دورقیسی، رفیق معدا شرامی کارگر کمونیست صنعت نفت و رفیق منوچهر سیک اندام، معلم کمونیست، که در زمان شاه نیز دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته بودند، بحر پخش اعلامیه سازمان تیرباران می‌گردند رژیم هیچ مدرکی از رفقای ما در مورد پخش اعلامیه نیز نداده است، فقط عنوان می‌کند که روز قبل در شهر اعلامیه پیکار پخش شده است جان مستعلی شهبازی گانه‌های صورت

حمایت سازمان در آغا جاری که یک تفنگر انقلابی است به همراه عده‌ای دیگر از هواداران سازمان در خطر است. رژیم به عده‌ای اندیشد که با ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیست‌ها می‌تواند مانع آگاهی توده‌ها شود. رژیم نتوانست دست خون آلودش را در سرکوب زحمتکشان و کشتار انقلابیون و کمونیست‌ها بشوید. ما چهره‌گر به این رژیم جنایتکار را به توده‌ها نشان خواهیم داد و با ادما را رفقسان شهیدمان تا آخرین نفس با امپریالیسم و ارتجاع خواهیم رزمید. بقول رفیق شهید منوچهر سیک اندام در ملاقات با همسرش در شب تیرباران:

دشمن به ما کینه دارد و در رحم نخواهد کرد، ما هم نسا بدست او و رحم کنیم مبارزه طبقه‌ای یعنی بی رحمی نسبت به دشمن طبقه‌ای.

آری، رفقا ما کینه شما را که کینه سه ملیون‌ها زحمتکش ایران بود در دل خود حفظ می‌کنیم و تا نبودی ستمگساران و جنایتکاران و پیروزی زحمتکشان به مبارزه‌اش تا پذیر خود ادا می‌دهیم ما به خون پاک شما شهیدان انقلاب سوگند می‌دهیم که تا می‌کنیم به آرمانتان که آرمان طبقه‌کارگر بود تا آخرین نفس و فسادار بمانیم.

با دنان گرامی و آرمان نشان جاودان باد!

آیا راه 'هرز' به کردستان ختم میشود؟!

در پی تسلیحات شویستی ارتجاع ونوم‌نوده‌ها (که روز بروز می‌کنند) در اوائل مهر ماه ۶۶ نفراز کارکنان حفاظت فرودگاه مهرآباد و طلب اعزام به سرز عراق می‌شوند. آنها را به کرمانشاه می‌برند. فرمانده این گروه به مرزا اعزام می‌شود و با قی در اختیار رسبا به سداران قرار می‌گیرند رسبا به سداران آنها را به کامیاران می‌فرستد و به آنها می‌گوید که "تا بدبا کرده‌ها بجنگید تا وظلمتان که از عملکرد رژیم بهت همبانی بودند با سخ می‌دهند که ما برای جنگ با ارتش عراق آمده‌ایم به ما بگردید. گروهی از آنها بر می‌گردند و با برین می‌مانند که در صورت امکان به مرزا اعزام شوند.

حکارتجای بارش بعث عراق مانع از آن نمی‌شود که سرکوب خلق کرده‌ها هشت پیدا تا بدور رژیم در پوش جنگ با عراق مرتباً نیروهای مزدور را در کردستان تقویت می‌کند. ارتجاع دشمن اصلی خود را بهتری شنا سدارای او انقلاب توده‌ها بسیار خطرناکتر از ارتجاع عراق است



مطلب است که تفنگهای ماد رخدمت هیچیک از این دو رژیم ارتجاعی نباید باشد. همانطوریکه در بالا گفته شد احتمالاً اینکه جبهه‌ای درگشود شود ضعیف بوده، و بیشتر احتمالاً مقطعی از جانب رژیم بعث محتمل است. این حملات بی‌وزنه در شهرها و مناطق پیرانشهر سرد شد و می‌توان امکان پذیر خواهد بود. در چنین صورتی تاکید ما با توجه به شرایط مشخص نظامی منطقه و اینکه از نظر سیاسی نظامی، به نفع هیچیک از دو رژیم تمام نشود تعیین می‌گردد

کردستان نیز گسترش دهد؛ اولاً کردستان اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی خوزستان را دارا نیست و در آن مراکز اقتصادی ای که رژیم عراق بخواد آنها را مورد حمله قرار دهد وجود ندارد. ثانیاً گسترش جنگ در این منطقه نیروهای بعثی را پراکنده می‌سازد و از تمرکز آنها در جبهه خوزستان و کرمانشاه می‌کاهد. ثانیاً وجود جنبش مقاومت و پیشمرگان انقلابی در کردستان ایران مانع بزرگی است که رژیم بعث بشدت از آن می‌هراسد و بالاخره وجود پیشمرگان اتحادیه میهنی در عراق نقل و انتقالات ارتش عراق را دچار اشکال می‌سازد. این موارد در مجموع شرایط مناسبی را برای دخالت عراق در کردستان ایران بوجود نمی‌آورد. از نظر نظامی آنچه که اهمیت اساسی دارد در کردستان این

مخالفت با وابستگی...

می دانید که چه میخوایم بگویم، "فقط اعتماد بمانگنی است"، بیاید اعلام کنید اگر این جامعه به سمت سرمایه داری نمیرود به سمت استبداد نمیرود، پاسخ دادند: "ما متعهد میشویم... حالت جنگی را از بین ببریم و آتش را برقرار کنیم"، "آتش بیسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است"، "حتی هر نیروی خارجی و هر نیرویی که بخواهد مسئله ساز باشد ما متعهد متقا بل هم در برابر گروههایی که مسئولیت کمتری بخواهند احساس بکنند برعهده میگیریم" (از متن مذاکرات شبهشتی با فرخ نگه دارمندی همه جاناتا کید اتا زماست).

این بود "تعهدی" که رهبران سازمان چریکها (اکثریت) در راستای چرخش قطعی خویش بسوی سازش با بورژوازی - حاکم و تسلیم در مقابل آن و خلاصه پشت کردن کامل به انقلاب و منافع توده ها به حکومت جمهوری اسلامی سپردند. از آن بعد، این رهبران که به آستانبوسی بورژوازی شتافته اند، سوا این حرکت خود ماهیت طبقاتی و مضمون مشی خویش را روشنتر نمودند - اند - پیگیرانه کوشیدند و همچنان میکوشند - توده صیه بهشتی مبنی بر "بوجود آوردن اعتماد" در میان مردم کردستان نسبت به هیئت حاکمه راموبه مویا جرابگد ارند، "برقراری آتش بیسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است" (یعنی همان وظیفه ای که بعد از ارتش و پاسداران است) را تحقق بخشند و "در برابر گروههایی که مسئولیت کمتری بخواهند احساس بکنند" (یعنی با انقلاب توده ها وفادار باشند) به تعهد خود یعنی دشمنی با تشکلات انقلابی عمل کنند - کوشش و تعهد یک چیز جز خیانت به منافع زحمتکشان و خلقهاست ایران و خدمت به بورژوازی نیست و تنها هدف جلب اعتماد بورژوازی و گرفتن امتیازاتی چند را برای این نارهبران در نیال میکند.

با توجه با این "تعهد" و در ماهیت سیاسی - طبقاتی آنست که مضمون و ماهیت شعار "استقرار صلح عادلانه در کردستان" سازمان چریکها (اکثریت) روشن میشود و هدف تبلیغاتی و سیاسیست رویزیونیستی و ضد انقلابی این سازمان در

رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن مشخص

میکردند. ماد شماره گذشته "پیکار کردستان" گوشه های از حرکت کتابین سازمان را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد نشان دادیم. اکنون میکوشیم گوشه دیگری از حرکت آنرا بر مبنای محور تبلیغاتی که فعلا سازمان چریکها (اکثریت) در باره او اطلاع کردستان میارزات خلق کرد و نیروهای آن در نشریات خود پیش میدهند و بطور مشخص در اولین شماره "تیشک" به روشنی ارائه شده است. مشکافیم. باشد تا با زهم بیشتر چهره زشت رویزیونیسم و رویزیونیسم اوخت آنها بمانفیع خلقها و زحمتکشان ایران بر ملا گردد. زیرا همانگونه که لنین میگوید مبارزه با امپریالیسم بدون مبارزه با بورژونیسم حریف پوچی بیش نیست.

تعریف واقعیت تجربه کردستان عراق

سازمان چریکها (اکثریت) محور تبلیغاتی خود را بر این اساس قرار داده است که نیروهای سیاسی موجود در کردستان (البته بغیر از خودشان) اساسا نیروهای وابسته به بعثت و یا در حال وابستگی به آن هستند و سرنوست جنبش مقاومت خلق کرد نیز همان سرنوستی خواهد بود که خلق کرد عراق در اترخیانت دارودسته ملامصطفی بازرانی به آن دچار شد. بنابراین طبق نظر آنها با یستی از مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی دست کشید و با قبول حاکمیت رژیم و استقرار "صلح عادلانه" از وابستگی جنبش جلوگیری کرد و وحدت تاثیر و های ضد امپریالیست" (بزم ایمل از جمله هیئت حاکمه و وارگانهای سرکوب آن مانند پاسداران) در مبارزه با امریکارا تحکم بخشید! (؟) بر مبنای این محور سازمان چریکها (اکثریت) خود را شد بد مخالف وابستگی جنبش و مخالف رژیم بعث عراق قلمداد کرده و قیافه با اصطلاح حق بجانب و مسئول در قبال سرنوست جنبش خلق کرد بخود میگیرد.

اکنون ببینیم واقعیتا مرجیست و چگونه فدائیان (اکثریت) برای توجیه و لایوشانی تسلیم و سازش خویش و واقعیات را تحریف میکند و یکسشت ترها تر رویزیونیستی را بعنوان "سر-

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با رویزیونیسم نیست

خورد مسئول " بخورد هر ادا را از خود و جنبش هید هد و این ترتیب میگوید جنبش بود ها را با انحراف و کجراه بکشاند در مقاله کردستان یکجا می رود ؟ " مندرج در " نیشک " شما آمد است : " این روزها در رزده استان از مسئله وابستگی زیاد صحبت میشود . این مسئله در گذشته نیز برای مردم مطرح بود ، استوانفا خلق کرد در این رابطه تجربه بسیار با ارزشی دارد . تجربه کردستان عراق را با خاطر بسیار و ملامصطفی بارزلی با همه نیروی نظامی و سابقه مبارزاتش

در جنبش ملی سرانجام وقتی مردم پشت کرد و در آفوش امریکا و رژیم ضد خلقی شاه افتاد جنبش را به شکست کشاند و بزرگترین خیانت عمر خود را مرتکب شد " و چند سطر بعد ادامه میدهد : " اکنون بین ما جراها (بانفاهو تهای) و سه طوزم انگیز در همین حال مضحکی در کردستان ایران نیز تکرار میشود " (تاکیدات از ماست) .

همچنین سازمان چریکها در " خبر " مه آباد شماره ۳۲ به تاریخ ۱۳ / ۵ / ۵۹ و ویژه نامه " اعترافات حامد بیگ " مینویسد : " هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث و سایر پارتی های امپریالیسم از جانب نیروهای انقلابی و ترقیخواه گرفته نشود آنها با سر جنبش خلق کرد در ایران همان بلایی را خواهند آورد که ملامصطفی بارزلی در عراق آورد ، ملامصطفی نیز از همان آغاز نصف وابسته و سرسپرد به رژیم شاه و امپریالیسم امریکان بود . او در همان سال در سنگر جنبش ملی در کردستان ایران و عراق مبارزه کرده بود و میدانست که رژیم شاه دشمن سرسخت خلق کرد است و از روی حسن نیت به آنها کلت نمیکند . ولی او فکر میکرد که میتواند از رژیم شاه اسلحه و پول دریافت کند و وابسته نیز نشود ولی دیدیم که محاسبات ملامصطفی درست از آب در نیامد " (تاکیدات از ماست) .

با خواندن نقل قولهای فوق هر کس که الفبای مارکسیسم را بداند و حداقل اطلاعی از وضعیت جنبش خلق کرد عراق بخواهد . هیئت رهبری آن داشته باشد و علاوه هنوز با انقلابیون منافعی تود ها بیاندیشد به راحتی متوجه تحریف تاریخی و " فراموشی " کامل اصل مارکسیستی لزوم برخورد طبقاتی به پدیده ها و تجزیه و تحلیل دیاکتیکی آنها را بین نقل قول نمیکرد .

مارکسیسم لنینیسم با مایاموزد به پدیده ها بشیوه

دیاکتیکی برخورد کم و مسایل موجود در اجتماعات بشری از زمانیکه جامعه طبقاتی بوجود آمد - را از پدگاه طبقاتی بنگرم و عبارت دیاکتیکی هر سخن و حرکتی منافع طبقه مشخص را جستجو کنیم . دیاکتیکی مارکسیستی با مایاموزد که پدیده ها را به صورت مجرد بلکه بشکلی مشخص و در تباط متقابل با یکدیگر نه در خلایک در زمان و مکان معین مورد بررسی قرار میدهد . این آموزش در تضاد کامل با برخورد بورژوازی و خورد بورژوازی با مسایل است که به پدیده ها برخورد غیر طبقاتی میکند و از این امر که فلان گفته یا بهمان عمل میبیند که ام منافع طبقاتی است ظفره میبرد و متافیزیک یعنی بر - خورد مجرد و در خلایک اجانشین دیاکتیک میسازد .

برخورد سازمان چریکها (اکثریت) به جنبش خلق کرد عراق و مقایسه آن با جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز چنین است . در این برخورد مشاهده میکنیم که بجای برخورد تاریخی - طبقاتی به مبارزه خلق کرد در عراق و رهبری آنجا توضیح عوامل و علل موثر در حرکت این جنبش و خصوصاً علل و عواملیکه در شکست آن سهم داشتند و مشخص کردن اینکه در این میان کدام نقش اصلی و کدام نقش فرعی داشته اند مسئله وابستگی و بالا - خرد شکست آن بطور مجرد مطرح میشوند و با یک مقایسه بهیچ اندازه متافیزیکی نتیجه گیری میشود که سر نوشت جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز همان خواهد بود . این چنین برخورد میدون شکلی بین دلیل نیست که رهبران یا نویسندگان مقالات سازمان چریکها (اکثریت) اصول و موازین مارکسیستی را در کتابها نخوانده اند بلکه از انجانشین میشود که اینان بمصالح انقلاب پشت کرده اند و بجای مارکسیسم ، روزیو نیسم و بجای منافع طبقه کارگر منافع بورژوازی را هنمای حرکت آنهاست . این امر نه تنها آنچنان برخوردی را ایجاد میکند بلکه حاملین آنرا آگاهانه به تحریف روشنترین و تعیبات تاریخی نیز میکشاند . در این میان تنها ساد و لوحی و سخبران هستند که میتوانند فریب جنبش هوافر بیپه را بخورند .

واقعییت جنبش خلق کرد عراق چه بود ؟

در اینجا قصد ما توضیح مفصل مسئله فوق و تجزیه و تحلیل عمیق و متکافانه آن نیست تنها برای روشن شدن بحثمان مختصر آنگاه کلی نواقعیات جنبش خلق کرد در عراق در

حمایت زحمتکشان میاندوآب از خلق گُرد

★★★★★★★★★★★★

میاندوآب بخوبی از این جنا یا آگاه میباشند و در مقابل این اعمال و هدیانه و جنایتکارانه سکوت را جایز نمیشمارند. آنان در می یابند، رژیم که هر روز روستاها و آبادیهای کردستان را به آتش کشیده و مردم را قتل عام میکند، نمیتواند ادعای "حمایت از مستضعفین" را بنماید. رژیم که برای بقای خود دست به هر جنایتی میزند و هر روز حمله ای جدید برای منحرف نمودن مبارزات توده ها بکار میبندد، هیچگاه نمیتواند حامی توده ها باشد.

بی شک در سایه آگاهی و همبستگی زحمتکشان همه تشبثات جنایتکارانه این رژیم ضد خلقی نقش بر آب خواهد شد. خلقهای ایران بارها نشان داده و باز هم نشان خواهند داد که در مقابل دشمن مشترک خود، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، یکپارچه و همبسته به پیش خواهند رفت. همبستگی خلقهای ایران، بویژه همبستگی خلقهای ترک و کرد، امری زودگذر نیست چه اینکه این همبستگی در جریان مبارزات مشترک آنها بر علیه رژیم جنایتکارانه و امپریالیسم هم چون پولاد آبدیده شده است. زحمتکشان آگاه، ترسک بخوبی میدانند که پیروزی نهایی همه خلقهای ایران و آنگاه به یکدیگر است و در سایه این اتحاد و همبستگی میباشد که برقراری حکومت زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق امکانپذیر میگردد. پیروز یاد همبستگی خلقها!

چندی پیش پس از آنکه پاسداران جمهوری اسلامی به همراهی اوباشان ملاحسنی در چند روستای کرد نشین (ابند رقاش، صوفیان و...) دست به قتل عام زحمتکشان زد، روستاها را غارت نمود و به آتش کشیدند. مردم غیور میاندوآب در طی تظاهراتی همبستگی خود را با خلق قهرمان کرد نشان داد. مواضع جنایتکارانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اعتراض نمودند. آنان در تجمع خود در مقابل کمیته میاندوآب خواهان توبیخ رئیس کمیته شدند. زحمتکشان آگاه میاندوآب بخوبی میدانند که رژیم با قتل عام روستاها را کردند بین باغارت و آتش زدن این روستاها قصد آن دارند که بین خلق کرد و ترک فاصله و جدایی افکند و از این طریق از کسوف سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد ببرد. از سوی دیگر مبارزات زحمتکشان ترک را از مسیر خود منحرف نماید. زحمتکشان میاندوآب با این حرکت خود نشان دادند که از ماهیت این رژیم آگاهند. آنها خود شاهد این هستند که:

روزی نیست که این رژیم دست به جنایتی تازه نزند. هنوز قتل عامهای "قارناوقه" لاتان از یاد نرفته است که زحمتکشان "ابند رقاش، صوفیان و..." کشتار میشوند، هنوز خون آنان خشک نشده است که روستای "سروکانی" قصابی گردید. مویه آتش کشیده میشود. زحمتکشان ترک و بویژه مردم

سالمای قبل میافکنیم.

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت جنبشگرد توده در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل سالهای ۷۰ آمد و تحت رهبری خانواده بارزانی هاد رسال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه و حکومت عراق فروریخت و شکست انجامید، در تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم بخلاف وعده و وعید ها اولیه و حتی قوانینیکه با روی کار آمدن خود اود رمورد حقوق خلق کرد، در عراق به تصویب رسیده بودند بعد از زمینه - جنبیهای اولیه، شروع به پایمال نمودن دستاورد های خلق کرد نمود. در مقابل جنبش حوکی، یکسری تظاهرات و حرکات

وسیع از جانب توده های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم گسیل ارتش بسوی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده مسلحانه روبرو گردید. پس از چند ماه حزب دمکرات کردستان عراق بر زمینه مو در میان توده ها و آمادگی انقلابی آنها با اعلام تشکیل یک بل زمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه زد و با بترتیب جنبش مقاومت در کردستان عراق شکل گرفت.

حزب دمکرات کردستان عراق در زمان تشکیل خود در مجموعاً منافع بورژوازی کرد را نمایندگی میکرد. اما از همان ابتدا اعتقاد فتوال و روسای عشا بر از جمله ملامصطفی در رهبری آن شریک

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

شدند و بالاخره بعد از مدتها که کشور رطال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن تثبیت نمودند که علت این امر با بستی اساسا در ضعف اجتماعی تاریخی بورژوازی کرد جستجو کرد. جنگ عشا یزیدیه رهبری ملامصطفی با تثبیت رهبری خود بر حزب و جنبش از همان ابتدا جنبش را بسمت مواضع راستتر از گذشته گشاند و آنرا وارد در مناسبات مشکوک بین المللی ساخت. امریکه ناشی از ماهیت و سیاستگر منافع طبقاتی آن بود.

علیرغم در اربودن چنین رهبری ای جنبش بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت خویش و کسب آنچه با آنها شده داده شده بود ادامه پیدا نمود و هرچه بیشتر گسترش یافت. به تدریجی که در اواخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم کردستان عراق در دست نیروهای پیشمرگ قرار داشت و در ۱۹۷۰-۱۹۷۴ اعلام نوزان حکومت بازرانی و اطرافیان او بر این منطقه بود. البته لازم به تذکر است که مضمون گسترش جنبش هر چند در جلوساییم بسی گسترش نیروهای نظامی و قدرتها آنها بویجاد وسط دستگاها می بورکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا و از سرگرفتند. هاد رزندی و سر نوشت جنبش تهمی میگشت. بصورتیکه در دوران ۷۴-۷۰ بازرانی و اطرافیان اثر شد. ستگا در ولتی ویژه ای را برای خود در منطقه بوجو آورد. بودند تا حدیکه یک سازمان جاسوسی (امنیتی) بنام "پاراشن" ایجاد گردید. این سازمان و تمام دستگا در ولتی در واقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوبخواستها و حرکات انقلابی توده ها و استثمای رفتار آنها توسط فئودالها و روسا عشا بر نبودند. سازمان جاسوسی مذکور که با رهبری عشا و رهبری جنبش رابطه مستقیم داشت و همچنین با محافل ارتجاعی خارجی ارتباط برقرار نمود. بود نقش مهمی در سرکوب افکار و جریانات مترقی بویژه کمونیستی و مقابله با نفوذ آنها بازی میکرد. بطور کلی میتوان گفت که در این دوران (۷۰-۷۴) بیش از اینکه در کردستان عراق با یک جنبش توده ای مسلحانه باشد فم شخص بر آوردن مطالبات توده ای مواجه باشیم شاهد یک شبکه و دستگا بورکراتیک نظامی قدرتمند هستیم که در بخش اعظم کردستان عراق گسترده شده و برای کسب امتیازاتی برای رهبری آن در مقابل رژیم عراق ایستاد. بود در ران این دستگا جریان عشیرتی فئودالی ملامصطفی قرار داشت که حاکمیت ملامنا از خود را بر خلق کرد عراق اعلا

مینمود. حاکمیتیکه هر چند برد ستگاها می بورکراتیک نظامی تکیه میکرد، لیکن در حفظ موقعیت خویش شدیدا از نااگاهی عمیق توده ها بمنافع طبقاتی خود و توهم آنها نسبت به رهبری جنبش سود میبرد.

جریان حاکم بر جنبش در طول حاکمیت خویش کوچکترین کوششی در جهت اصلاحات اجتماعی از جمله مسئله ارض که در برنامه اثر آورد شده بود ننمود. روابط فئودالی زده را حفظ کرد و فئودالها یوفاداری آن در رناهش توانستند مواضع خود را که در اثر کودتای ژوئیه ۵۸ تضعیف شده بود مستحکم سازند. حتی اصلاحات ارضی در ولتی نیز در روستاهای منطقه با جراد رنیامد. در مقابل ویرانی و فلاکتی که در اثر جنگ گریه میانگیر توده ها شده بود نیروهای پیشمرگ هیچ حرکتی یاری دهند. ای نسبت به توده ها از خود نشان ندادند و بصورت نیروی غیر تولیدی باقی ماندند. بیشتر تکیه در اواخر بعنوان یاری برد و شز حمتکشاد آمده بودند. در مطالبات رهبری جنبش در دوره های مختلف مذکور با دولت مرکز ی حاکم برای تحقق خواستهای زحمتکشان وجود نداشت و این نظامی استغلبه در خواستهای توده حقوقی محدود شده بود. خلاصه در دوران حاکمیت رهبری فئودالی عشیرتی بر جنبش، این رهبری ثابت نمود که در ربر هورد به توده ها و منافع آنها با حکومت مرکزی فرقی نداشت و حاکمیتش نتیجه دیگری جز ادامه استثمار و استثمای توده ها ندارد.

حاکمیت یک چنین رهبری در جنبش رانهم حاکمیتی بلا منازع نمیتوانست چشم انداز دیگری جز شکست در مقابل ان ترسیم کند. شکستیکه در هر صورت بچه با به سازش رسیدن رهبری رژیم وجه با غلطیدن کامل ان بدامن امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی دیگر (یعنی آنچه رخ داد) ساتفاقا میا-فتاد.

بالاخره زمانیکه این رهبری بدلیل ماهیت فوق هر چه بیشتر به نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی متوسل و بطور طبیعی به تکیه هر چه بیشتر بر آنها کشاند. شد سز نوشت محتم جنبش یعنی شکست در ریک قدمی آن قرار گرفت. سز نوشتی که انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ میان ایران و عراق آنرا شکلی آشکار بظهور رساند. ملامصطفی و نارود سته عشیرتی فئودالی اش فرار کردند و بزرگترین خیانتزندی خود را مرتکب شدند.

جنبش خلق کرد در عراق و برخورد رویزیونیستها با آن

در شکست جنبش خلق کرد در عراق همانگونه که در فوق گفتیم، علت اساسی ماهیت طبقاتی رهبری حاکم بر آن بود. اما بیان این واقعیت به همین جا خاتمه یابد تاخص وجه بساگمراه کننده است. مسئله اینست، چه شد که رهبری جنبش و نه تنها رهبری جنبش بلکه رهبری پلانمارع ان بدست ملامصطفی و درآوردسته او افتاد به ترتیبی که بعد از شکست نتوانست مدتها سر بلند کند. چه شد که توده های خلق کرد در عراق علیرغم تمام سرکوب و ستمیکه از جانب درآوردسته ملامصطفی با آنها وارد میشد و کوچکترین خواستههایشان در دوران حاکمیت این درآوردسته برآورده نشد، علیرغم تمام خیانتهای ملامصطفی قبل از خیانت بزرگش، نسبت با ووفایا ماندند و او را رهبر خود برآورده خواستههایشان میدانستند.

نگاهی کوتاه به عملکرد رویزیونیستها در عراق جواب سؤال فوق را در مقابل ما قرار میدهد. در واقع زمانیکه بعد از منتهی حکومت عبدالکریم قاسم ماهیت طبقاتی خود را نشان داد و ما شین ششم و سرکوبی را که بارش برد بود علیه توده مردم عراق و از جمله علیه خلق کرد برآورد، انداخت، حزب "کمونیست" (رویزیونیست) عراق بجای ایستادند و رگنا توده ها و خلق کرد، تحت عنوان جلوگیری از تضعیف رژیم "مترقی" عبد - الکریم قاسم از پشتیبانی و شرکت در مبارزات خلق کرد امتناع ورزید. جناح منشعب از "حزب کمونیست عراق" که تحت عنوان "حزب کمونیست عراق - رهبری مرکزی" از آن جدا شد در نوشته "انقلاب کرد، در رسها نتیجه ها و در نماهای جد" در این مورد اینگونه مینویسد:

" هنگامیکه عبدالکریم قاسم شروع کرد به تسلیم شدن در مقابل فشارهای مخالف و ضد انقلابی و انقلاب ژوشیه را به سمت انحراف راند و دستاورد های خلق کرد عراق را بتدریج با بیال کرد و بعضی از حقوق ملی ساده ای را که خلق کرد بعد از ژوشیه بدست آورده بود حتی تحت فشار قرار داد به خط مشی

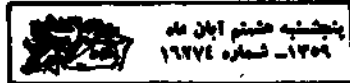
رویزیونیستی و حزب کمونیست رواج داشت و حزب سیاست در نیاله روی از قاسم و عقب نشینی مداوم در مقابل نیروهای ضد انقلاب را پیروی میکرد و این روش در تمام خط مشی های حزب و سیاستها یثرتا شیرگذاشت. حزب بهمراه توده های کرد برای دفاع از حقوق آنها دست باسلحه نبرد و شعارها صحیح که قادر باشد جنبشهای توده ای را برآورداخته و هدایت کند طرح نکرد. بلکه با این بهانه که ملیت (پو - رژیوازی کرد) توضیح از ما (از ما) جنبش را در دست دارد، از این وظایفشانته خالی کرد. حزب آن اهمتایی که مسئله ملی کردی لازم دانستد، مورد ان میدولنداشت و از اهمیت درخواستهای کرد ها راجع به حقوق ملی، که اندک اندک حزب کمکرات کردستان آنها را مطرح میکرد، کاست.

وقتی که جنبه فاعی در کردستان آغاز شد، رهبری رویزیو - نیست به "بسج" ملی که در زمان عبدالکریم قاسم مطرح میکرد تمسک جسته و تاکید میکرد که تضعیف رژیم کاغذی است. و وقتی که توده های کرد برای دفاع از خود در مقابل هجوم نظامی دست باسلحه بردند، رهبری رویزیونیست بضح شعاعرقیم و فرصت طلبانه "صلح در کردستان" اکتفا کرد که نه مورد قبول خلق کرد بود. و نه از طرف رژیم قاسم که صد هاتن از امضا کنندگان عریضه های اعتراضی و درخواستهای صلح را دستگیر کرده بود، مورد قبول قرار گرفت. و در رستدر همین زمان حزب بخش بزرگی از با به های توده ای خود را در کردستان و مخصوصا در روستاها به نفع بورژوازی ملی کرد از دست داد و این بورژوازی دانست که چگونه از موضع حزب کمونیست تمسود بدید و از استعداد توده ها بهره برداری کند. این موضع رویزیونیستی خطرناک ابتدای شکست کمونیسم در کرد - ستان و علت اساسی تسلط بورژوازی روسای عشا پیر رهبری جنبش توده ای بود. "تاکیدات از ما ست".

با این ترتیب ملاحظه میکنیم که چگونه رویزیونیستها با سا - زش با رژیم و دست کردن به جنبش توده ها، از همان ابتدا از رهبری را در دستنی در اختیار درآوردسته ملامصطفی قرار دادند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آگهی زبرد اطلاعات پنجشنبه هشتم
۲۶ بان ۵۹ به چاپ رسیده است .



استخدام سرباز قراردادی

ستاد مشترک ارتش جمهوری آباد سابق باصراه باشده اسلامی ایران امروز اعلام نمائنده عظیمتر مراجعه کرد لشکر پیست وحشت و بیعت نام کند .
پسندید برای تشکیل لشکر سربازان باطلخان باید برای این به ۱۳۳۱۰۰ سرباز احتیاج فرط باشد ۱۰۰ هزار بودن دارد . گمانی که به استخدام برگ هائمه خدمت .
فراردهای برای مدت یکسال بر سلامت جسمی به تائیدماری این لشکر شایق فراردهاست ارتش جمهوری اسلامی ایران همه روزه از ساعت هفتالی ۲- حداکثر سن مستخدمت چهارده باستانی روزهای سال .
نظریه مرکز صحرای کرد سالیانه ارتش جمهوری واقع در محله انبارمردی شرح اسلامی ایران .

رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه‌ای اجیر میکند

نیازی به توضیح اضافی نیست رژیم در کرمان گرم جنگ ارتجاعی و تحمیلی سپین ایران و عراق در ادا سرکوب وحشیانه خلق کرد و توانی مزدوران سرکوبگوش و نیزجا فرستادن سربازان برای اعزام به کردستان و کشتار خلق کرد مجبور به استفاده ماسریا زمردورگشته است . رژیم‌های ارتجاعی از تجربیات امپریالیستها

برای ادا محکومت و سرکوب زحمتکشسان بهره برده و خواهندبرد رژیم جمهوری - اسلامی از اعزام مزدوران "کزیون خارجی" امپریالیست‌ها به اجزا بیرونی استخدام مزدوران سفیدپوست از طرف امپریالیستهای بلژیک برای کشتار خلق کنگو... بهوسیله درس گرفته است و تعداد مورد خلق قهرمان کرد که از یکطرف میا روزه قهرمانانهاش رژیم را به زانو در آورده و از طرف دیگر حقانیت میا روزه اش برای سربازان و ارتشبان نام آگاه نیز روشن میشود بطوریکه بخش بزرگی از آنان دیگر حربه جنگ با خلق کسود نیستند ، بکار می گیرند . ولی مزدوران و سربازان حرفه‌ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور کرد نخواهند توانست کاری از پیش ببرند .

روزیونیستها در ایران و جنبش مقاومت خلق کرد

این سیاستیست که امروز سازمان چریکیها (اکثریت) بتبع برانرا عراقی و آموزگارش حزب توده نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد ایران پیش گرفته است . سیاستی که شباهت‌های "عجیب" آن حتی در جزئیات نمیتواند موجب تمسخر و هم چنین تنفر همه کسانی که به منافع توده ها وفادارند نگردد . ابتدا به بهانه "مترقی بودن و" ضد امپریالیست بودن رژیم جمهوری اسلامی شعرا استقرار "صلح عادلانه" و قطع "جنگ برادر رکنی" مطرح میگردد سپس تحت عنوان اینکه رهبری جنبش است حزب کمکرات است و جنبش بشکست میانجامد . خواستار قطع آن شده و از آن کنا رمیکشد و در همین حال به تخطئه این جنبش میپردازد و بالاخره باید منتظر قرار گرفتن مسلحانه انها در مقابل خلق کرد باشیم .
در واقع سازمان چریکیها (اکثریت) آگاهانه بر تفاوت ماهیت طبقاتی رهبری جنبش در عراق که جریانی عشیرتی سفودالی بود با ماهیت طبقاتی نیروهای مختلف فعال در جنبش مقاومت خلق کرد در ایران سروش گذاشته و عهد افرا موش میکند که این تفاوت معنی وجود و حرکت متفاوت رهبران را بین دو جنبش میا شد . به صرف اینکه جنبش خلق کرد عراقی به عنوان یک جنبش ملی در چار شکست گردید نمیتواند ما را با پس نتیجه برساند که پس سرنوشته خلق کرد ایران نیز همان خواهد

اما این همه مسئله نبود و خیانت روزیونیستها به جنبش خلق کرد به همینجا خاتمه پیدا نکرد . انها پیش از پیش در سازش خود با حکومت جهت تبرک نسبی از استعمار و غارت زحمتکشان عراق پیش رفتند و هرچه بیشتر در مقابل جنبش توده ها قرار گرفتند به ترتیبی که در آخرین جنگد رسالهای ۱۹۷۴ هزاران نفر را بنام کمونیسم مسلح کرده و به جنگبسا خلق کرد فرستادند . آنها این سیاست ضد انقلابی خود را حتی بعد از شکست جنبش و شکل گیری یک جنبش مسلحانه نوین در کردستان دنبال کردند و برای تشکیل "لشکر گارد مرزی عراق" مشغول تبلیغ شدند .
با یک چنین سیاست و عملکرد ضد انقلابی نسبت به خلق کرد عراق قبضه همه جانبه رهبری جنبش و تسلط بر اماناز بر آن توسط دارودسته ملامصطفی امری غیر منتظره نبود .
این ترتیب در مقابل ملامصطفی نه تنها نیروی دیگری بعنوان یک اکثریت توان انقلابی قرار نگرفت بلکه حتی نیروی که بتواند از فروریختن کامل جنبش بعد از خیانت دارودسته ملامصطفی تا حدودی جلوگیری کند و سریعاً به سازماندهی واحیاد و - باره جنبش بپردازد نیز وجود نداشت . با راین خیانت پیش از همه برنوش روزیونیستهای عراق سنگینی میکند . کسانی که منافع طبقاتی ضد انقلابی شان و همچنین منافع برادر بزرگشان یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی ایجاب مینمود ، در کنار رژیم های مختلف عراق از جمله همین رژیم بعث قرار بگیرند و به خدمت سرکوب توده ها در آیند .

بود از بدگاه مارکسیسم - لنینیسم قبل از هر چیز باید این مسئله را روشن کرد که رهبری جنبش در عراق مدافع و نماینده کدام طبقه بود و سیاست کدام طبقه بر آن حکم می‌راند. و امروزه در ایران این مسائل چگونه است؟ طغره رفتن از این امر و مقایسه ای فارغ از یک بررسی مشخص یا تکرار چیزی جز عوام‌فریبی و فرصت طلبی نیست و در تضاد کامل با مارکسیسم قرار دارد. سازمان چریکها (اکثریت) از آنجائی که به مارکسیسم پشت کرده و در رویزونیسم غوطه می‌خورد، در برخورد با مسئله پدیده ها و دین را ایجاد برخورد به جنبش خلق کرد در ایران و عراق و مقایسه میان آنها کوچکترین صحبتی از ماهیت طبقاتی نیروهای رهبری کننده در این دو جنبش نمی‌کند و نیروی نظامی وسیع و سابقه " مبارزاتی " ملامصطفی را به رخ می‌کشد! سازمان چریکها (اکثریت) علت شکست جنبش خلق کرد عراق را نه ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن بلکه وابستگی آن معتر می‌کند از بدگاه مارکسیسم مسئله وابستگی چون همه مسائل دیگر یک مقوله طبقاتی است و ناگهان بوجود نمی‌آید. گرایش بوابستگی از سوی طبقاتی بروز می‌کند که بر توده ها متکی نیستند و نه منافع اکثریت بلکه منافع اقلیتی کوچک را نمایندگی می‌کنند.

سازمان چریکها (اکثریت) می‌گوید ملامصطفی بمردم پشت کرد و رآغوش آمریکا ورزم شاه افتاد بولی نمی‌گوید چرا و به چه علت. سازمان چریکها نمی‌گوید که علت اساسی شکست جنبش ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن (حتی اگر رهبری وابسته نمیشد) بود و همین ماهیت بود که آن را بوابستگی نیز کشاند.

سازمان چریکها (اکثریت) ابتدا واقعیت جنبش خلق کرد در عراق را تعریف می‌کند و از توضیح مشخص راجع به خصوصیات آن طغره می‌رود سپر آن تصویر تحریف شده را تصویر جنبش مقاومت خلق کرد در ایران قلمداد می‌کند و در آخر نتیجه می‌گیرد که تجربه کردستان عراق در ایران تکرار می‌شود. در حالیکه از همه تفاهت‌های بزرگ و کوچک که جنبش خلق کرد ایران و عراق را از هم متمایز می‌سازد نیز بی‌گردد منتها این واقعیت که امروزه رهبری

مقاومت نیروهای مختلف شرکت دارند، هر چند اوضاع حاکم از قدرت گیری بیش از پیش نیروهای جنبش کمونیستی است. نشان امید همد که " استدلالات " سازمان چریکها تنها توجیه سازش آنها با بورژوازی و پشت کردن به منافع زحمتکش و خلق های ایران است. مسئله اینجا است که مارکسیسمها هیچگاه باین عنوان که در فلان جنبش نیروهای سازشکار روحی ضد انقلابی می‌کوشند بر حرکت توده ها سوار شوند یا سوار شده اند از شرکت در آن کناره نمی‌گیرند، زیرا این سیاست تنها راه را برای تسلط نیروهای ضد و غیر پرولتری بر جنبش هموار می‌سازد. این وظیفه کمونیستهاست که در هر جنبشی در هر سطح که قرار دارد شرکت کنند و با بردن آگاهی طبقاتی میان توده ها آنها بر محور سیاست و برنامه خود حرکت دهند.

دم خروس یا قسم حضرت عباس؟! -

امام را اینجا مسئله آنکه جالبویان روشن اپورتونیسم سازمان چریکها (اکثریت) است ما نیست ایمان از یک سو بدلیل اینکه بقول خود شان رهبری جنبش مقاومت خلق کرد در دست حزب دمکرات است یا اینکه حزب نیروی عهد است، سرنوشت جنبش مقاومت را همان سرنوشت جنبش در عراق میدانند و وابستگی و شکست را دورنمای آن می‌شمارند و از سوی دیگر خود نزد یکترین روابط با حزب دمکرات داشته با آن نسبتاً پیام مشترک می‌دهند. باید پرسید بقول معروف دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را!

سازمان چریکها ماهیت طبقاتی حزب دمکرات را بورژوازی تحت ستم کرد میدانند و از روابط طبعی عناصر آن با رژیم بعث عراق نیز مطلع است و علاوه نفوذ آنرا در میان توده ها عمدتاً قلمداد می‌کند بولی بجای مبارزه علیه مشی سازشکارانه آن (امری که در ماهیت مشی سازمان چریکها (اکثریت) نیست) علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون پیکار کومه له و ... در مقابل آنها به پشتیبانی و همکاری مشترک با حزب دمکرات دست می‌زند. حتی اگر بر مبنای نظرات احراقی سازمان چریکها (اکثریت) کومه له یک جریان " خرد و بورژوازی " باشد باز بدگاه مارکسیسم یک نیروی مارکسیستی و مدافع طبقه کارگر در برابر حزب دمکرات

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

وگومه له با یستی جانب کومه له را بگیرد بزیرا "خرد" بورژوازی دهقانی "متحد نزد یکدیگر و لیاقت ریاست تا" بورژوازی عدت شتم " پس چگونه است که سازمان چریکها (اکثریت) در این بین جانب "بورژوازی" را میگیرد و به "خرد" بورژوازی "میتان" ای این بیانگر نزد یکی منافع طبقاتی سازمان مزدور با حزب دمکرات و دلیلی بیوجی و مغرضانه بودن تبلیغات آن علیه نیروهای چون پیکار و کومه له نیست؟ بدون شک چرا این رواقع سازمان چریکها (اکثریت) هر قدر ریشتر در مورد ابرویزیونیسم غوطه میخورد ضد پتیشتری با نیروهای کمونیستی و انقلابی پیدا میکند زیرا رویزیونیسم یک تفکر بورژوازی و بیانگر منافع بورژوازیست. لجن پراکنشها تیکه در همین شماره "تیشک" علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون پیکار و کومه له، برزندگان ۰۰۰ شده است، آنها را "ناز او جی" و هرج و مرج طلب خواندن و از آنها در ردیف "حزب نجبران" این در آورده است ارتجاعی یاد کردن و گروهک خطا پشان کردن بیانگر چه چیز دیگری جز ورشکستگی سیاسی یاد نولوژیک سازمان چریکها (اکثریت) و پرورش تفکر آنها در مکتب حزب بود و خائن بود ریک اسلام غلطیدن آنها در مورد اب رویزیونیسم و روی آوردن به بورژوازی است؟

با این ترتیب مفهوم واقعی شعار "استقرار صلح عادلانه در کردستان" و "صلح طلبی" سازمان چریکها (اکثریت) برای پیکار روشنتر میشود. روشن میشود که چرا سازمان مذکور به تطهیر هیئت حاکمه ضد خلقی میرد از د برجنایات آن سرسروش میگردد و دستاخر از توده ها نیز میخواهد "بین سنی - ستمی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و جنایات امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و نوکران آن ۰۰۰ خط و مرز مشخص بکشند ؟!! (یعنی ماهیت کشتار خلق کرد و سایر زحمتکشان و انقلابیون از طرف رژیم جمهوری اسلامی با کشتار یک بدست رژیم شاه مزدور انجام میگرفت فرق دارد و رژیم جمهوری اسلامی از موضع "ضد امپریالیستی" سرکوب و کشتار میکنند ؟!!) روشن میشود که چرا این سازمان با کینه و بغض به ناسزاگویی به نیروهای انقلابی و کمونیست میرد و در همان حال حزب خائن توده را "ضد امپریالیست" قلمداد میکند زیرا رهبران خیانتکار سازمان چریکها (اکثریت) به بهشتی در رواقع به هیئت حاکمه ضد خلق تعهد سپرده اند خلق کرد و سایر خلقهای ایران را بفرینند و منافع آنها را قربانی

منافع بورژوازی نمایند. تعهد سپرده اند بر شعله هردم فروزتر مبارزات انقلابی توده ها علیه رژیم حاکم آب بپاشند و بکوشد آنرا خاموش کنند و بیا به کجراه بکشند. تعهد سپرده اند در برابر نیروهای انقلابی و کمونیست با یستند و در رخت بورژوازی ضد انقلاب آنها را تخطئه کنند و اگر لازم شد در کنار ارگانهای رژیم در سرکوب آنها شرکت ورزند. زیرا رویزیونیستها اعمال و منافع بورژوازی اند و از خود بورژوازی بیشتر

به بورژوازی خدمت میکنند. اما توده های خلق کرد نشان میدهند که فریب این دوستان در روغن را نمیخورند. امروز سازمان چریکها (اکثریت) بسرت از طرف توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی کرد طرفداری میکنند در روستاها زحمتکشان زحمتکین از تسلیم طلبی آنها باز دارند تا نشان خود داری میکنند و در بسیاری موارد آنها را از دست بیرون میکنند و در شهر یونان هم زیاد از مردم علیه شان دست به تظاهرات میزنند و خواستار خلع سلاح آنها میشوند. به این ترتیب و با توجه به توضیحات و حقایق فوق باید گفت که خلقها با انقلابیون و کمونیستهای ایران هیچگونه اعتقاد به مخالفت خوانی های سازمان چریکها (اکثریت) و معلم آن حزب خائن توده با رژیم بعث عراق نمیتوانند داشته باشند. دشمنان رژیم مرتجع عراق تنها کمونیستها و انقلابیون را دشمن هستند نه رویزیونیستهای مرتد، نه طبق منافع روز خود و نه با اصطلاح "ارد و گاه سوسیالیسم" شان به بزرگ کردن و آزارش رژیم های ضد خلقی میرد از د و خا که رجش توده ها میباشند. کمونیستها هرگز از "اود ها" به "افعی" پناه نمیبرند آنها برای مبارزه با امپریالیسم امریکا و رژیم ضد خلقی عراق و در مقابل توطئه های آنها به درگاه رژیم جمهوری اسلامی سجده نمیکنند. آنها تنها بر توده ها و در رجه اول بر طبقه کارگرو سایر زحمتکشان تکیه میکنند و آنها را برای کسب قدرت سیاسی علیه همه امپریالیستها و رجعین با گاه بسنج و مسلح میکنند. آنها همچنین برای زد و دنانا اکاه و توهم توده ها نسبت به نیروهای سازشکار روضد انقلابی که میخواهند جنبش توده ها را روجه المصلحه منافع طبقاتی خود قرار دهند، نما لان در مبارزات آنها شرکت کرده و سایر شرکت خود در جهت انفراد نیروهای فوق و کشتانند توده ها بدنبال برنامه و سیاست انقلابی خویش میباشند و جنبش را بدست نیروهای سازشکار روضد انقلابی نمی سپرند. اینست برخورد انقلابی! اینست سیاست کمونیستی! ■

سرمقاله . . .

به عقب ماندگاری اقتصادی و رکود استان و فقر و فلاکتی که توده ها با آن دستگیر می‌نمایند بر می‌گردد، از طرف دیگر بعثت کمکاری کمونیست‌ها در ارتقا آگاهی سیاسی توده ها نمود پیدا میکند. کمونیست‌ها می‌بایست به توده ها همه چیز را بگویند. آگاهی طبقاتی را به میان آنها ببرند و مبارزات آن را بر این اساس سازمان دهند. مضمون این آگاهی طبقاتی عبارتست از تبلیغ و ترویج برنامه حداقل طبقه کارگر برای توده ها. این است

وظیفه سم پیکار کردستان

۱- با وجود جنبش مقاومت خلق کرد و گسترش ابعاد آن نیروهای سیاسی این جنبش نیز جوهر واقعی خود را نشان داده و خواهند داد. طوفان مبارزه خشن و خاشاک رابه کاری زده میدان مبارزه را روشن میکند. این قانون اساسی صحت خود در جنبش مقاومت خلق کرد نیز ثابت نمیدهد. سازمان چریکها (اکثریت) که از ابتدا از موضع متزلزل و تردید آمیز در مقاومت شرکت داشت، با اینکه جریان خاکی و مرتد تبدیل شده است که هدفی جز توطئه بر علیه جنبش مقاومت و تبلیغ آشتی طبقاتی ندارد. اگر چه در مقابل سیاست این جریان منحط توده ها با شور و انرژی فراوانی از جنبش دفاع کرده و آنها را رسوا میکنند، اما اگر نسبت بوجود ایمن جریان و سمی که در جنبش میراند، بی توجه باشیم بودر جهت ارتقا و شناخت سیاسی توده ها راجع باین جریان نکوشیم مرتکب اشتباه بزرگی شده ایم. مبارزه بر علیه این جریان و افشا کامل آن یکی از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و کمونیست است. می‌بایست پیگیرانه دنبال شود. از سوی دیگر جریان جنبش مقاومت، عناصر وابسته و دستگیر ضد انقلابی (چون سپاه زرگاری، شیخ هادی و...) که مزبوران رژیم بعث، عوامل ساواکی و سلطنت طلبان بوده و با سوءاستفاده از ناآگاهی توده های عقب مانده خلق کرد، در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، دست به فعالیت می‌زنند. این دستجات ضد انقلاب از هیچ پایگاهی در میان توده های انقلابی و آگاه برخوردار نبودند و صرفاً با وجود آوردن

محیط ارعاب و ترس یا مزبور گرفتن عناصر آگاه و توانسته اند به بقای انگلی و ارتجاعی خود ادامه دهند. این نیروها از بیم افشاگری و خلع سلاح بوسیله سازمانهای انقلابی قادر به گسترش فعالیت خود در کردستان نمی‌باشند.

سازمان چریکها (اکثریت) از مدتی پیش با اتخاذ سیاست رویزیونیستی و خیانت به جنبش عادی لانه خلق کرد سعی کرده و میکند تا خطر این عناصر را بر حثه کرده و عادی لانه بودن مبارزه خلق را به زیر سؤال برد. تا به این وسیله دست آویزی برای توجیه سازش خیانت تاریخی خود به خلق و خدمت به بورژوازی بیابد. سازمان چریکها (اکثریت) هرگز قدمی عملی در جهت مقابله با این نیروها برنداشت و سعی کرد با برآه انداختن جنگ تبلیغاتی با آنها توده ها را به انحراف بکشد.

بی شک مبارزه با این جریانات ارتجاعی جزئی از مبارزه انقلابی خلق کرد بوده و افشا و خلع سلاح آنها جز وظایف کمونیست‌ها و توده های انقلابی است.

بنابراین افشای رویزیونیست بویژه سازمان چریکها (اکثریت) که سعی در تحریف مبارزه عادی لانه خلق دارد، و افشاد دستجات ضد انقلاب که سعی در به انحراف کثرت جنبش مقاومت داشته و پاکیزگی انقلابی آنرا خدشه دار می‌سازند بویژه پرورش دادن سیاسی توده ها بر علیه این جریانات بوظیفه چهارم پیکار کردستان است.

۵- اما جنبش مقاومت تنها از جانب ریز یونیست‌ها تهدید پیدا نمیشود. خطر انحراف ناسیونالیست نیز جنبش را تهدید میکند. ناسیونالیسم که جنبه ملی مبارزه را برجسته کرده و جنبه طبقاتی مبارزه را نادیده می‌گیرد فقط خلق کرد را می‌بیند و به مبارزه سراسری آن توجهی ندارد. گرایش بورژوازی خطرناک است که اگر با آن مبارزه ای جدی و پیگیر نگردد، جنبش را در معرض خطرات جدی قرار خواهد داد. مبارزه سیاسی ایدئولوژیک بر علیه این گرایش و کوشش در جهت پرورش سیاست توده ها بر مبنای اشتراک منافع زحمتکشان سراسری ایران بوظیفه مهم دیگر است که بعهد و نبردهای کمونیست و انقلابی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

فعال در کردستان می‌باشد. وی کارکردستان آنرا وظیفه پنجم خود می‌شمارد.

رفقا، هواداران!

ما با چنین درکی از جنبش مقاومت و وظایف سیاسی، در انتشار پیکار کردستان می‌کوشیم. برای اینکه بتوان از عهد اجرا وظایف سنگین فوق برآمد، سیاست ارتباط فعالی می‌گیریم و توده‌ها برقرار باشد. این نشریه کمونیستی که بر کار خود وظیفه تبلیغ و ترویج و سازماندهی را قائل است نمی‌تواند بدون ارتباط نزد یک و تنگاتنگ با توده‌ها، کوچکترین کامی در جهت آنچه بعهد گرفته است، بردارد. حرکت در جهت توده‌ای کردن نشریه ممکن نیست مگر اینکه کلیه رفقا نشریه را از آن خود بدانند و مضامین آنرا بمان توده‌ها ببرند. بنابراین مضامین پیکار کردستان، همچون ارگان مرکزی سازمان می‌بایست در هر "جوله" بوسیله پیشمرگان سازمان در هر گونه تبلیغ و ترویج در شهرستانها، روستاها، رهنظامها و جمعیت میان توده‌ها برده شود. توزیع وسیع و موقیع نشریه و کار آگاهانه حول مضامین آن وظیفه بسیار مهم و انقلابی همه رفقا است. در جریان این کار سیرد ناگهانی میان توده‌ها - میتوان نیاز مشخص توده‌ها را در ارتداد و مسایل آنها را تشخیص داد و از نشریه خواست که بآنها پاسخ گوید.

رفقا، برای ما از هر اتفاق و حرکتی که در اوقات میگذرد، بویژه از روحیه و شرایط زندگی توده‌ها، ناگهانی سیاست از وضعیت نیروهای انقلاب بوجد انقلاب، شیوه‌ها و اشکال مبارزاتیشان، از عملکردهای دشمن، مانورها و تاکتیکهای پیش و... بنویسید. بنظر ما هر رقیبیکه واقعا بخواهد، قادر است حداقل حدود هفته یکبار برای ما نامه بنویسد. نامه‌ها شامل گزارش و خبر مشکلات و مسایل سیاسی اجتماعی توده‌ها و... بجز آن میتوان گفت که پر مشغله‌ترین "رفقا نیز قادرند، فرصتی بیابند و برای ما نامه بنویسند به شرط - اینکه برای چنین مکاتبه‌ای ارزش قابل شوند. برای نوشتن این نامه‌ها احتمالاً لازم نیست نویسنده بود، هر فردی که اندک سواد بی‌برای خواندن و نوشتن دارد قادر بر اینکار می‌باشد. تنها در چنین صورتیست که پیکار کردستان به یک نشریه توده‌ای بوزند و بدل خواهد شد. بقول لنین: "یک نشریه وقتی زنده است که باز اینج نویسنده‌ها اطمینان دهند که بطور دائم برای نشریه کار میکنند به‌انصاف اینج هزار نفر دیگر هم وجود داشته باشند، که ضمن اینکه در کارهای نشریه نقش دارند بولی نویسنده نیستند."

در آینده راجع باین موضوع بیشتر صحبت خواهیم کرد ■



عطا برآزنده . . .
 بود . . . رفیق بهنگام برداشت محصولات کشتا -
 ورزید و مرداد شد بهر یورسال ۵۸ در منطقه افشار که مباح
 زرات جاری میان توده های فقیر کشاورزان و ربابان در آن
 جریان داشت با شرکت فعال خود در این مبارزه و هدایت
 آن توانست توده ها را متشکل کند . . . رفیق در جریان یورش
 نوم ارتجاع و جنگ مستعد در کنار خلق کرد و سازمان ماصیما
 و با انرژی هر چه بیشتر فعالیت پرداخت و که خود نمونه
 در رختانی از انضباط پذیر بود رگارتشکیلاتی و سیاسی بود ،
 اجازه نداد که منافع فردی و یا وابستگی بزندگی عادی
 خللی در اراده مصمم و بولادیش وارد آورد .
 رفیق عطا بهنگام اجرا ماموریت در ارتقا و در جاده سفر
 با نه بوسیله مزدوران جنایت پیشه دشمن شناسایی شد و
 مورد حمله قرار گرفت . رفیق عطا همراه رفیق دیگرش لاوران
 جنگید و در حالیکه قهرمانانه میزبید سوراخ صابن نارنجک
 دشمن قرار گرفت و شهادت رسید و خونچه اید یکسراز
 جوانان انقلابی کردستان به گل نشست . . .
 گرامی باد یاد رفیق شهید عطا برآزنده !

تیمور حسینی . . .
 کرد . . . بود خیل
 زود توانست مسایلی را که رفقا پیش در دانشگاه در باره زنگ
 برد در وزج زحمتکشان و علت فقر بود بختی انها مطرح می
 کردند بجدب نماید و به مبارزه رو آورد . . . مبارزات توده ها
 علیه رژیم شاه خائن هر چه بیشتر ترویج میگرفت و پهنه مباح
 زرات دانشجویی دیگر در دانشگاه بلکه تمام سطح
 جامعه شده بود . رفیق تیمور نیز همگام با سبیل خروشان
 توده ها و با یاری انها تا قیام شکر همد ۲۲ بهمین برای
 سرنگونی سلطنت ننگین شاهنشاهی یکدم از پای نشست .
 بعد از قیام رفیق در تشکیل اتحادیه و عقانی در منطقه
 " نه لاین " (اطراف سردشت) نقش فعال داشت و مردم را
 در جنگ با فئودالها و خلع سلاح کمیته فتوالمی " تیسازه
 قلعه " (بین سردشت - سپیرانشهر) متشکل نمود . . .
 رفیق تیمور در جریان ضرباتی که پیشمرگان به نیروهای مزدور
 رژیم جمهوری اسلامی مستقر در کامیاران نفوذگاه سنندج
 و ستونهای اعزامی از کامیاران به سنندج وارد میکردند فعال
 لانه شرکت نمود و جاسارت توانایی بسیاری از خود نشان داد
 او همچنین در آگاه سازی و تشکیل دهی روستائیان منطقه
 خصوص جوانان نقش مهمی بعهده داشت . . . رفیق تیمور
 بعد از پنج ماه مبارزه خستگی ناپذیر در روستاهای اطراف
 کامیاران به یوگان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیت
 دسته ای از پیشمرگان سازمان (دسته شهید نجم الدین)
 به همراه توده های زحمتکش به ادامه مبارزه بر علیه متجاوزین
 به حقوق زحمتکشان کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت .
 رفیق آبی از مبارزه ناپستاد تا بدانجا که خون پاکش
 راه طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران کرد .

گرامی باد یاد شهید تیمور حسینی !
 نه رابعی چینی بهشروع کردگان
 نه قال ته بهور
 نه ستیری سور
 پر لوی نوری خیمانی دور
 نه ستیری کشی فالای سور
 په پیمان ! په پیمان !
 هه قال ته بهور
 ۵۹ / ۸ / ۲۲ " رهبوار " ربهوار
 = شمر فوق سروده شاعر مبارز رهوار است که به
 مناسبت شهادت پیشمرگه شهید تیمور حسینی سروده

« بو ته یموری چه سه نیانی »
 هه قال ته بهور !
 پر لوی نوری خیمانی دور
 په یاد خوشه و پست ترین ههاله کان
 با ههل برهن چریکه ی خیم
 به سرودی ته ی شه هیدان
 با بوت بلهین گورانه گهی
 تو تا مری چاوه کانم
 له هر کوی بی . . . له گهل مانی
 په پمانت بو تازه د مکه پنه
 بو توی پیشمرگه ی رهنجه ران
 مستیری کشی فالای سور
 هه قال ته بهور !
 په پیمان ! په پیمان !
 لمسه ده ستی توی قارمان
 له قلمی خویناوی تیران
 له کورد و ستانی شورش وان
 په پیمان ! په پیمان !
 گه وک ناگر به رینه گیانی دوزمان
 په پیمان ! په پیمان !
 له بهرنه که پنه در مسکانی " هه قال لنین
 وک بو لوزو کیزه لووکه
 وک سیلاوو وک برووکه
 رهنه گیش گهین رهنه کلاری زورداران
 تا دنیا د مینته بههار بو هه زاران

جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق کرد

جاودان باد خاطره پیشمرگان شهید



رفقا

عطا برازنده ★ تیمور حسینی

رفیق تیمور حسینی در جریان یک نبرد دلاورانه شهادت رسید. رفقای سازمان در یوکان بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه‌ای منتشر نمود ماند که بخشهایی از آن را اینجا میآوریم:

۲۷ مهر شبی بود که پیشمرگه قهرمان تیمور حسینی در جریان حمله دو دستاورد پیشمرگان سازمان به مقر سپاه پاسداران و جاشهای ضد خلق در سقر بعد از وارد آوردن ضربه توسط پیشمرگان در حال عقب نشینی مورد اصابت گلوله مرتجعین ضد خلق قرار گرفت و چندی لحظه بعد به شهادت رسید. رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده خرد مالک در روستای قازلیان

استوار جوان سنگری کمری کرده است می ستیزد و با هر تیر ، کیمه کیمین را بر قلب چرکین دشمنان شلیک میکند او کمونیست است آرمانش رهائی زحمتکشان و سرمایه اتس تعنگ اوست مرگش را دشمن هرگز نخواهد دید! زیرا ، مرگ او په بلندی آفتاب است که روشنائیش بر پهن دشت شهرها بر گشتزارهای رنج و بر کارخانه های گسترده میشود مهد انقلاب

پیشمرگه قهرمان ، رفیق عطا برازنده ، طی یک نبرد شجاعانه با نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روز ۱۲ / ۷ / ۵۹ به شهادت رسید و خون پاکش نهان آزادی طبقه کارگر را ایاری نمود. کمیته کردستان سازمان ، بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه‌ای منتشر نمود ، است که بخشهایی از آنرا در اینجا نقل میکنیم: رفیق عطا برازنده در سال ۱۳۳۵ در روستای علی آباد در یک خانواده زحمتکش در منطقه افشار تکاب بدنی آمد. از همان دوران کودکی با فقر و محرومیت توده های ستمدیده دهقانی آشنا شد. رفیق در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده امیروری ایلام شد. و بصورت یکی از فعالین جنبش دانشجویی درآمد. رفیق در دوران شکوهمند قیام خلقهای ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه میگذاشت و رهگذر زمان بخاطر انجام وظایف انقلابی هواداری سازمان بیکار را پذیرفته

از روستاهای اطراف یوکان دید مجاهدان نشود. رفیق در دانشگاه با مسایل سیاسی آشنا شد و از آنجا نیکه بطور عینی در جریان زندگی زحمتکشان قرار داشت و فقر و رنج آنها را از نزدیک مشاهده



بغیه در صفحه ۲۱ چنین دانشجویی در آمد. رفیق در دوران شکوهمند قیام خلقهای ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه میگذاشت و رهگذر زمان بخاطر انجام وظایف انقلابی هواداری سازمان بیکار را پذیرفته